



۱۶ جوزا ۱۳۸۱

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان
د افغانستان د بشر د حقونو خپلواک کمیسیون
AFGHANISTAN INDEPENDENT HUMAN RIGHTS COMMISSION

بخش حمایت از حقوق اطفال

گزارش تحقیقی

وضعیت حقوق بشری اطفال در سال ۱۳۹۹

دلو ۱۳۹۹



کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان
د افغانستان د بشر د حقونو خپلواک کمیسیون
AFGHANISTAN INDEPENDENT HUMAN RIGHTS COMMISSION

شناسنامه:

عنوان: گزارش وضعیت حقوق بشری اطفال در افغانستان (۱۳۹۹)

تهیه: بخش تحقیق و پالیسی و بخش حمایت از حقوق بشری اطفال

ناشر: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

تاریخ نشر: دلو ۱۳۹۹

آدرس: کابل، ناحیه ۶، جاده فیض محمد کاتب، (بین وزارت احیاء و انکشاف دهات و اداره عالی تفتیش)

دفتر مرکزی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

نشانی الکترونیک: aihrc@aihrc.org.af

پایگاه اینترنتی: www.aihrc.org.af

فهرست مطالب

پیام مقام محترم ریاست کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان	۱
خلاصه گزارش	۲
مقدمه	۷
روش تحقیق	۷
مشخصات جامعه نمونه	۷
محل زندگی اطفال شامل تحقیق	۸
فصل اول	۹
حقوق مدنی اطفال	۹
حقوق مدنی، سیاسی	۱۰
نوع خشونت علیه اطفال	۱۳
انواع خشونت‌های جنسی	۱۴
انواع خشونت‌های فیزیکی	۱۴
انواع خشونت‌های لفظی و روانی	۱۴
انواع خشونت‌های اقتصادی	۱۵
سایر انواع خشونت	۱۵
عواملان خشونت علیه اطفال	۱۶
فصل دوم	۱۹
حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اطفال	۱۹
حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اطفال	۲۰
فصل سوم	۲۶
اجراءات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان	۲۷
نتایج کلی:	۲۹
پیشنهادهای:	۲۹

پیام مقام محترم ریاست کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

امروزه اطفال افغانستان با چالش‌های جدی و متنوع حقوق بشری مواجه بوده‌اند و هرگونه برنامه‌ریزی و تلاش برای حمایت از آنان ارزشمند است. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان همه‌ساله گزارش تحقیقی بررسی وضعیت حقوق بشری اطفال را تهیه و منتشر می‌کند. این تحقیقات چالش‌های حقوق بشری اطفال را دریافته و رهنمود واضحی برای طرح یا بازنگری پالیسی‌های حمایت از اطفال است. امیدوارم دولت افغانستان و جامعه جهانی بافته‌ها و پیشنهادهای این تحقیقات را جدی بگیرند و مبتنی بر آن برنامه‌ریزی و تلاش کنند.

از تمامی همکارانم که در اجرای این تحقیق سهم داشته‌اند؛ همکاران بخش حمایت از حقوق بشری اطفال که کار نظارت بر وضعیت حقوق بشری اطفال را به عهده داشته و پرسش‌نامه کامل و به منظور حمایت از حقوق بشری اطفال دادخواهی کرده‌اند، نیز از آقای محمدعظیم بشارت که این تحقیق را انجام داده و گزارش آن را نوشته و آقای شکور نظری که ویرایش آن را عهده‌دار بوده است، قدردانی می‌کنم و برای تمامی همکاران سلامت و موفقیت بیشتر در عرصه حمایت از اصول و ارزش‌های حقوق بشر آرزو دارم.

شهرزاد اکبر

رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

خلاصه گزارش

معلومات این تحقیق از طریق تکمیل فورم نظارت، فورم ثبت قضایا و توسط ناظران ساحوی و سرحدی بخش اطفال کمیسیون به دست آمده است که در آن بر وضعیت حقوق بشری ۵۳۱۸ تن از اطفال شامل ۳۸۰۷ (۷۱.۶٪) پسر و ۱۵۰۹ (۲۸.۴٪) دختر در ۲۸ ولایت کشور نظارت شده و پرسش‌نامه کامل شده است.

از میان اطفال شامل تحقیق، ۱۰۲۴ تن از آنان (۱۹.۳٪) بین سنین ۷ تا ۱۱ سال و ۴۲۹۴ تن دیگر (۸۰.۷٪) بین سنین ۱۲ تا ۱۸ سال بوده‌اند.

تعداد ۸۳۵ تن از اطفال شامل تحقیق (۱۵.۷٪) از خانواده‌های بیجاشده و ۱۹۹۰ تن (۳۷.۴٪) از خانواده‌های عودت‌کننده به وطن بوده‌اند. ۲۴۹۳ تن باقی‌مانده (۴۶.۹٪) از خانواده‌های بوده‌اند که نه بیجا شده بوده‌اند و نه عودت‌کننده به وطن.

تعداد ۴۴۵۶ تن (۸۳.۸٪) در خانه و همراه با اعضای فامیل خویش زندگی می‌کردند، اما ۸۶۲ تن (۱۶.۲٪) دیگر جدا از خانواده و فامیل زندگی می‌کردند که از این میان (۲۶۴ تن شامل ۳۰.۷٪) در پرورشگاه‌ها، (۵۹۸ تن شامل ۶۹.۳٪) در مراکز اصلاح و تربیت اطفال به سر می‌بردند.

اطفال قربانی منازعات مسلحانه

مجموع تلفات افراد ملکی که در سال مالی ۱۳۹۹ در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ثبت شده است، به ۸۵۰۰ تن می‌رسند که ۲۰۱۹ تن از آنان شامل ۲۳.۸٪ از میان اطفال بوده است. این رقم در سال مالی ۱۳۹۸ (۲۰۱۹ م) که تعداد تلفات افراد ملکی ۱۰۷۷۲ تن به ثبت رسیده بود، ۲۶۹۶ تن شامل ۲۵٪ کل تلفات افراد ملکی بود. بنابراین در سال جاری میزان تلفات اطفال در مقایسه به سال قبل نسبت به کل تلفات ملکی، ۱.۲٪ و نسبت به تعداد تلفات اطفال، ۲۵.۱٪ کاهش داشته است.

اطفال درگیر در منازعات مسلحانه

بر اساس یافته‌های این تحقیق در سال مالی ۱۳۹۹، تعداد ۱۲۶ کودک، درگیر منازعه در صفوف نیروهای مسلح اعم از نیروهای دولتی و گروه‌های مسلح مخالف دولت بودند که ۲۰ تن آنان (۱۵.۹٪) در صفوف نیروهای دولتی و ۹۶ تن دیگر (۷۶.۲٪) در صفوف نیروهای مسلح غیردولتی شامل گروه‌های مسلح مخالف دولت، فعالیت داشتند. ۱۰ تن دیگر (۷.۹٪) از این‌که در صفوف کدام‌یکی از نیروهای مسلح دولتی و غیردولتی فعالیت دارند، حرفی نگفته‌اند.

در سال مالی ۱۳۹۸ تعداد اطفال که در صفوف گروه‌های مسلح دولتی و غیردولتی فعالیت داشتند، به ۹۰ تن می‌رسید که ۲۸.۵۸٪ کمتر از رقم سال ۱۳۹۹ بوده است.

هم‌چنین این معلومات نشان داده است که افزون بر اطفال درگیر در منازعات، تعداد ۱۳ طفل دیگر به‌عنوان کارگر در قطعات نظامی و امنیتی و پوسته‌های نظامی مخالفان دولت، مصروف کار بوده‌اند.

اطفال قربانی خشونت

در سال مالی ۱۳۹۹ از میان ۵۳۱۸ کودک شامل تحقیق، ۱۳۹۱ تن (۲۶.۲٪) آنان قربانی خشونت بوده‌اند، در حالی که این رقم در سال ۱۳۹۸ خورشیدی ۵۳۵ تن از میان ۵۲۴۸ طفل شامل تحقیق؛ یعنی ۱۰.۲٪ آنان قربانی خشونت بوده‌اند. بنابراین در سال ۱۳۹۹ موارد خشونت علیه اطفال ۱۶٪ افزایش یافته است. از میان ۱۳۹۱ طفلی که قربانی خشونت بوده‌اند، ۹۴۸ تن (۶۸.۲٪) پسر و ۴۴۳ تن (۳۱.۸٪) دیگر دختر بوده‌اند.

نوع خشونت علیه اطفال

در سال ۱۳۹۹ خورشیدی، ۴۵.۱٪ کودکان شامل تحقیق که در برگیرنده ۶۲۸ تن است، قربانی خشونت‌های روانی، ۴۳.۶٪ شامل ۶۰۶ تن قربانی خشونت‌های فیزیکی، ۳.۲٪ شامل ۴۴ تن قربانی خشونت‌های اقتصادی و ۲.۴٪ شامل ۳۴ تن قربانی خشونت‌های جنسی بوده‌اند. ۵.۷٪ شامل ۷۹ تن از سایر انواع خشونت نام برده‌اند که شامل خشونت‌های لفظی-روانی، فیزیکی، اقتصادی و جنسی نیست.

انواع خشونت‌های جنسی

یافته‌های این تحقیق نشان داده است که ۳۴ طفل شامل تحقیق، قربانی خشونت‌های جنسی بوده‌اند، اطفال یادشده در ۱۶ مورد (۴۷.۱٪) قربانی تجاوز جنسی، در ۴ مورد (۱۱.۸٪) قربانی اجبار به فحشا، در ۲ مورد (۵.۹٪) قربانی اجبار به فعل لواط، در ۷ مورد (۲۰.۶٪) قربانی آزاروآذیت جنسی، در ۴ مورد (۱۱.۸٪) اجبار به روابط زن‌وشوهری خلاف خواست خودش و در ۱ مورد (۲.۹٪) قربانی بارداری اجباری بوده‌اند.

انواع خشونت‌های فیزیکی

از میان اطفال قربانی خشونت‌های فیزیکی در ۱۱ مورد (۱.۸٪) اطفال به قتل رسیده‌اند، به شمول ۳ مورد قتل ناموسی، در ۲ مورد (۰.۳٪) آتش زده‌شده‌اند، همچنین در ۲ مورد (۰.۳٪) اعضای بدن آنان قطع شده است، در ۷ مورد (۱.۲٪) ضرب‌وجرح شده‌اند، در ۱ مورد (۰.۲٪) اجبار به استفاده از مواد مخدر شده، در ۳ مورد (۰.۵٪) به کار اجباری کشانده شده‌اند و در ۱۱۷ مورد (۱۹.۳٪) لت‌وکوب شده‌اند. در ۴۶۳ مورد (۷۶.۴٪) نوع خشونت فیزیکی معین نشده است.

انواع خشونت‌های لفظی و روانی

از مجموع ۶۲۸ طفلی که قربانی خشونت‌های لفظی و روانی بوده‌اند، در ۹ مورد (۱.۴٪) اطفال مورد اتهام قرار گرفته، در ۵ مورد (۰.۸٪) به انزوای اجباری کشانده شده، در ۲ مورد (۰.۳٪) به خاطر نداشتن طفل توهین شده، در ۱۲ مورد (۱.۹٪) تهدید به طلاق و اخراج از منزل شده، در ۵ مورد (۰.۸٪) تهدید به قتل شده و ۷۴ مورد (۱۱.۸٪) دشنام تحقیر و تخویف شده‌اند. در ۵۲۱ مورد (۸۳٪) اطفال قربانی خشونت‌های لفظی و روانی، نوع خشونت را معین نکرده‌اند.

انواع خشونت‌های اقتصادی

از این میان ۴۴ کودک قربانی خشونت‌های اقتصادی، در ۳۶ مورد (۸۱.۸٪) از حق نفقه خود محروم شده، (این اطفال دخترانی بوده‌اند که ازدواج کرده بودند) در ۵ مورد (۱۱.۴٪) از حق دریافت مهریه خود محروم شدند، (این اطفال نیز دخترانی بوده‌اند که ازدواج کرده بودند) و در ۳ مورد دیگر از سایر موانع رنج برده‌اند.

سایر انواع خشونت

در بخش سایر انواع خشونت علیه اطفال، از خشونت‌هایی یادشده است که جزء خشونت‌های روانی، فیزیکی، اقتصادی و جنسی نبوده‌اند. این خشونت‌ها شامل ۱ مورد (۱.۳٪) بد دادن، ۲ مورد (۲.۵٪) خریدوفروش زن به بهانه ازدواج، ۱۶ مورد (۲.۰۳٪) ازدواج اجباری، ۳۳ مورد (۴۱.۸٪) نامزدی اجباری، ۶ مورد (۷.۶٪) نفی قرابت، ۱۱ مورد (۱۳.۹٪) منع دیدوبازدید اقارب، ۲ مورد (۲.۵٪) چندهمسری، ۲ مورد (۲.۵٪) منع دسترسی به خدمات صحتی، ۶ مورد (۷.۶٪) منع دسترسی به تعلیم و تربیت، می‌شود.

عواملان خشونت علیه اطفال

از میان ۱۳۹۱ کودک که مورد خشونت قرار گرفته‌اند، ۵۱۱ تن (۳۶.۷٪) آنان از افراد وابسته به پولیس ۲۴۱ تن (۱۷.۳٪) از اعضای خانواده خود، ۱۱۱ تن (۸٪) از صاحب‌کار خود و ۸۱ تن (۵.۸٪) از معلم خود، ۵۵ تن (۴٪) از دیگر اطفال و ۳۹۲ تن دیگر (۲۸.۲٪) از سایر افراد به‌عنوان عامل خشونت علیه خودش نام برده‌اند.

اطفالی که تذکره تابعیت دریافت نکرده‌اند

معلومات کمیسیون نشان می‌دهند که از میان ۵۳۱۸ طفل شامل تحقیق، ۲۸۷۴ تن آنان (۵۴.۸٪) تأیید کرده‌اند که تذکره داشته و ۲۳۶۷ تن آنان (۴۵.۲٪) گفته‌اند که تذکره ندارند. ۱۷ تن باقی‌مانده (۰.۳٪) در این زمینه معلومات نداده‌اند.

اطفالی که نمی‌توانند تذکره بگیرند

از میان کسانی که تأیید کرده‌اند تذکره تابعیت ندارند ۶۷ تن آنان (۳٪) که در پرورشگاه‌ها زندگی می‌کردند، اظهار داشته‌اند که به دلیل روشن نبودن هویت والدین‌شان، نمی‌توانند تذکره دریافت کنند و عملاً از دسترسی به این حق محروم‌اند.

چالش‌های حقوق بشری اطفال در مراکز اصلاح و تربیت

یافته‌های نظارتی کمیسیون از وضعیت حقوق بشری اطفال تحت حجز در مراکز اصلاح و تربیت، نشان داده است که از میان ۵۹۸ طفل ۱۱۲ تن آنان (۱۸.۷٪) ادعای شکنجه و بدرفتاری علیه خودش را در دوره توقیف کرده‌اند، هم‌چنین ۲۰۰ تن (۳۳٪) گفته‌اند که بیشتر از مدت معین در توقیف به سر برده‌اند، ۲۸۶ تن از اطفال تحت حجز از موارد نقض حقوق بشری‌شان سخنی نگفته‌اند.

میزان بدرفتاری یا ادعای شکنجه اطفال در سال جاری نسبت به سال ۱۳۹۸ که در آن ۱۰۱ تن از میان ۵۹۱ طفل شامل ۱۷.۱٪ مدعی بدرفتاری و شکنجه از سوی مسئولان شده بودند، ۱.۶٪ افزایش داشته است.

چالش‌های دسترسی اطفال به تعلیم و تربیت

از میان ۵۳۱۸ تن از اطفال شامل تحقیق سن ۴ تن آنان زیر ۷ سال و ۳ تن دیگر نامعلوم ثبت شده است. این یعنی ۵۳۱۱ تن آنان شامل ۹۹.۹٪ بالای ۷ سال و واجد شرایط رفتن به مکتب بوده‌اند. در حالی‌که از این میان تنها ۱۹۶۲ تن شامل ۳۶.۹٪ آنان تأیید کرده‌اند که به مکتب می‌روند؛ و ۳۰۳۹ تن شامل ۵۷.۲٪ گفته‌اند که به مکتب نمی‌روند. ۳۱۰ تن دیگر شامل ۵.۸٪ اطفال واجد شرایط رفتن به مکتب به این پرسش پاسخ نداده و مشخص نشده‌اند که به مکتب می‌روند یا خیر.

یافته‌های کمیسیون در سال گذشته نشان داده بود که از میان ۵۲۴۸ طفل شامل تحقیق که واجد شرایط رفتن به مکتب بودند، ۲۶۶۱ تن آنان شامل ۵۰.۷٪ به مکتب نمی‌رفتند. بنابراین در سال مالی ۱۳۹۹ رقم اطفال واجد شرایط که از رفتن به مکتب محروم شده‌اند، نسبت به سال قبل، ۶.۵٪ افزایش یافته است.

دلایل و علل نرفتن به مکتب

۱۴۵ تن شامل ۴.۸٪ کسانی که به مکتب نمی‌رفتند، گفته‌اند که دلیل نرفتن آنان به مکتب این است که جامعه نسبت به مکتب دیدگاه منفی دارند. ۲۵۱ تن (۸.۳٪) از نبود امنیت لازم، ۱۶۳۳ تن (۵۳.۷٪) از مصروفیت‌شان به کار، ۷۳ تن (۲.۴٪) از دوری راه مکتب، ۳۱ تن (۱٪) از بسته بودن یا نبودن مکتب، ۷۴۵ تن (۲۴.۵٪) از مشکلات مالی و اقتصادی خانواده‌های خود، ۱۴۷ تن (۴.۸٪) از اجازه ندادن خانواده‌های خود، ۱۴ تن (۰.۵٪) از نبود تسهیلات مورد نیاز در مکاتب به‌عنوان دلایل یا علل نرفتن خود به مکتب یاد کرده‌اند.

درخور یادآوری است که در سال ۱۳۹۹ شیوع بیماری کوید ۱۹ سبب شد که مکاتب سراسر کشور در ۵ ماه اول سال تعطیل شده و تمامی شاگردان مکاتب از رفتن به مکتب باز بمانند.

چالش‌های دسترسی اطفال به حق صحت

یافته‌های این تحقیق نشان داده است که در سال مالی ۱۳۹۹ از میان ۵۳۱۸ طفل شامل تحقیق، ۳۷۳۴ تن (۷۰.۲٪) گفته‌اند که وقتی مریض می‌شوند به داکتر در کلینیک یا شفاخانه مراجعه می‌کنند؛ اما ۱۵۸۴ تن (۲۹.۸٪) گفته‌اند که در هنگام مریضی به داکتر در کلینیک یا شفاخانه مراجعه نمی‌کنند. گفتنی است در سال گذشته (۱۳۹۸) این رقم ۳۶۹۷ تن شامل ۷۰.۴٪ از اطفال شامل تحقیق (۵۲۴۸ تن) بوده است. بنابراین در سال ۱۳۹۹ میزان کودکانی که در هنگام بیماری به داکتر در کلینیک یا شفاخانه مراجعه می‌کنند، ۰.۲٪ کاهش یافته است.

اطفالی که تأیید کرده‌اند در هنگام مریضی به داکتر در شفاخانه یا کلینیک مراجعه نمی‌کنند، جاهای دیگری را مثل دواخانه، (۳۲۹ تن ۶.۲٪) کارکنان صحت (۱۲۸ تن ۲.۴٪) حکیم یا طبیب (۳۰۲ تن ۵.۷٪) و ملا (۳۶ تن ۰.۷٪) را به‌عنوان آدرس‌هایی که در هنگام مریضی برای تداوی به آنان مراجعه می‌کنند، یاد کرده‌اند. هم‌چنین ۷۹ تن (۱.۵٪) آنان گفته‌اند که وقتی مریض می‌شوند به هیچ جایی مراجعه نمی‌کنند و ۷۱۰ تن دیگر (۱۳.۴٪) به این پرسش پاسخ نداده‌اند.

دلایل و علل عدم مراجعه اطفال به کلینیک یا شفاخانه در هنگام مریضی

از میان اطفالی که در هنگام بیماری به داکتر در کلینیک یا شفاخانه مراجعه نمی‌کنند، ۱۵۰ تن شامل ۲۲٪ از دوری راه، ۱۶۶ تن (۲۴.۴٪) از نبود دوا در کلینیک‌ها و شفاخانه‌ها، ۱۳۵ تن (۱۹.۸٪) از گران بودن فیس داکتر، ۹۹ تن (۱۴.۵٪) از ناتوانی در پرداخت کرایه موتر تا معاینه‌خانه داکتر یا شفاخانه و کلینیک، ۸۳ تن (۱۲.۲٪) از پایین بودن کیفیت خدمات و بی‌اعتمادی به داکتر، ۲۲ تن (۳.۲٪) از نبود داکتر زن در کلینیک‌ها یا شفاخانه‌ها، ۱۰ تن (۱.۵٪) از اجازه ندادن فامیل برای مراجعه، ۴ تن از برخورد تبعیض‌آمیز داکتر یا کارمندان شفاخانه‌ها و کلینیک‌ها به‌عنوان دلایل یا علل مراجعه نکردن خود به داکتر در شفاخانه یا کلینیک نام برده‌اند. ۹۱۵ تن (۵۷.۸٪) از دلیل خاصی در این زمینه یاد نکرده‌اند.

اطفال کارگر

بر اساس یافته‌های این تحقیق از میان ۵۳۱۸ طفل شامل تحقیق ۳۱۷۵ تن (۵۹.۷٪) تأیید کرده‌اند که کار می‌کنند. ۱۷۵۶ تن دیگر شامل ۳۳٪ گفته‌اند که کار نمی‌کنند و ۳۸۷ تن دیگر (۷.۳٪) به این پرسش پاسخ نداده‌اند.

در سال قبل (۱۳۹۸) تعداد اطفال کارگر ۲۵۸۲ تن از میان ۵۲۴۸ طفل شامل ۴۹.۲٪ گزارش شده بود که ۱۰.۵٪ کمتر از سال جاری بوده‌اند.

نوع کار اطفال

بر اساس یافته‌های این تحقیق، اطفال کارگر در کارهای مختلفی به شرح زیر مصروف بوده‌اند:

جمع‌آوری زباله ۳۱۵ تن شامل ۹.۹٪، حملی ۳۱۴ تن شامل ۹.۹٪، دست‌فروشی ۲۴۹ تن شامل ۷.۸٪، خشت‌پزی ۲۲۲ تن شامل ۷٪، کارگری در کارهای ساختمانی ۱۸۸ تن شامل ۵.۹٪، خیاطی و قالین‌بافی ۱۵۰ تن شامل ۴.۷٪، موترشویی ۱۴۹ تن شامل ۴.۷٪، کار در خانه‌ها به‌عنوان خدمه خانگی ۱۴۴ تن شامل ۴.۵٪، کار در رستوران‌ها یا هتل‌ها ۱۴۹ تن شامل ۴.۷٪، کار در کارخانه‌های صنعتی ۸۰ تن شامل ۲.۵٪، تگ‌دی ۶۰ تن شامل ۱.۹٪، دهقانی ۸۶ تن شامل ۲.۷٪، کار در حمام ۳۴ تن شامل ۱.۱٪، کار در مزارع خشخاش ۲۶ تن شامل ۰.۸٪، کار در نهادها و گروه‌های نظامی و امنیتی به‌عنوان کارگر نه‌عسکر ۱۳ تن شامل ۰.۴٪، مالداري و چوپانی ۲۲ تن شامل ۰.۷٪، رنگ کردن بوت ۴ تن شامل ۰.۱٪، آب‌فروشی ۳ تن شامل ۰.۱٪، کار در مستری‌خانه ۱ تن شامل ۰.۱٪.

۹۶۴ تن باقی‌مانده (۳۰.۴٪) نوع کارشان را مشخص نکرده‌اند.

اجراآت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان پس از بررسی و ثبت ۱۷۴ قضیه‌ای که در آن نقض حقوق بشری اطفال شناسایی شده است، اقدامات عملی را مبتنی بر نوع و مقتضیات قضیه انجام داده است که شامل موارد زیر می‌شود:

الف: دادخواهی

کمیسیون در ۷۲ قضیه (۴۱.۶٪) که نقض حقوق بشری اطفال صورت گرفته بود، برای تأمین عدالت و رسیدگی به آن‌ها دادخواهی انجام داده است.

ب: نظارت و پیگیری حقوقی

کمیسیون در ۹۳ قضیه (۵۳.۴٪) از طریق نظارت بر روند رسیدگی به قضیه، ارسال مکاتیب و مراجعه به نهادهای ذیربط، پیگیری حقوقی انجام داده و به منظور تأمین عدالت در روند رسیدگی به قضیه، فعالیت مؤثر داشته است.

ج: مشورده‌دهی حقوقی

کمیسیون در ۶ قضیه (۳.۴٪) مشوره حقوقی داده و در نهایت در ۳ قضیه که وصف جرمی نداشته اما حقوق بشری اطفال در آن نقض شده بود، کمیسیون در تماس با تمام طرف‌های قضیه موفق به حل آن شده و از تداوم نقض حقوق بشری اطفال جلوگیری کرده است.

د: اجرای پروژه‌های تحقیقی

کمیسیون مستقل حقوق بشری افغانستان در سال مالی ۱۳۹۹ افزون بر تحقیق بررسی وضعیت حقوق بشری اطفال، تحقیقات دیگری را با عنوان بررسی اجمالی، تأثیر کوید-۱۹ بر وضعیت حقوق بشری اطفال، اطفال بدون هویت در پرورشگاه‌های افغانستان نیز انجام داده و یافته‌های تحقیقات یادشده را همراه با پیشنهادهای روشن برای رفع چالش‌های شناسایی شده در این تحقیقات، منتشر کرده است. هم‌چنین تحقیق وضعیت حقوقی اطفال معتاد تحت کار است که به‌زودی نهایی و منتشر خواهد شد.

ه: آگاهی‌دهی

کمیسیون به منظور بالا بردن سطح آگاهی مردم، به‌ویژه کودکان و خانواده‌ها، برنامه‌های آگاهی‌دهی را در مرکز و ولایات راه‌اندازی کرده است. هم‌چنین کمیسیون طی سال ۱۳۹۹ دو عنوان کتاب حقوق طفل (در زمینه حق حیات و حق صحت) را در ژانر داستان به سه زبان

دری، پشتو و ازبکی در همکاری با مرکز منابع پوهنتون کابل تهیه و تدوین کرده است. افزون بر این، دو رساله در زمینه حقوق اطفال که شامل حقوق مندرج در کنوانسیون حقوق طفل می شود در دو سطح برای کودکان و نوجوانان به زبان ساده و به شکل مصور تدوین کرده است، که آماده چاپ است. قرار است این کتابها برای شاگردان و معلمان، پرورشگاهها، مراکز اصلاح و تربیت اطفال توزیع شود.

مقدمه

وضعیت آسیب‌پذیری اطفال، به‌ویژه در شرایط جنگ و منازعه، ایجاب می‌کند که ظرفیت‌های حمایتی از آنان بیشتر شده و دولت‌ها تدابیر خاصی را به منظور تأمین فضای امن و عاری از تهدید و خطر برای آنان روی دست گیرند. زمینه‌های دسترسی کامل آنان را به حق حیات و امنیت شخصی، حق دسترسی به اوراق رسمی و ثبت هویت، حق دسترسی به عدالت و حقوقی مثل تعلیم و تربیت، صحت، تغذیه سالم و حق بازی و تفریح و زندگی در آغوش گرم خانواده فراهم آورند.

مطالعات این تحقیق از وضعیت حقوق بشری اطفال افغانستان در سال ۱۳۹۹ نشان داده است که به‌رغم گام‌های خوبی که با هدف حمایت از اطفال تاکنون برداشته شده است، هنوز چالش‌هایی جدی فراراه زندگی امن و عاری از تهدید آنان قرار دارد و هم‌روزه مواردی متعددی از نقض حقوق بشری اطفال در سراسر کشور روی می‌دهد.

هنوز آمار تلفات کودکان در منازعات مسلحانه و جنگ جاری در کشور، بسیار بالا و مایه نگرانی است. هنوز تعداد اطفالی که در صفوف جنگجویان مسلح خدمت می‌کنند زیاد است. هنوز شماری از اطفال از نداشتن اوراق رسمی شناسایی یا تذکره هویت رنج می‌برند. هنوز خشونت علیه اطفال در خانواده‌ها و اجتماع روبه‌افزایش گزارش می‌شود. هنوز ما شاهد بی‌عدالتی‌های گسترده علیه اطفالیم. هنوز به تعداد مکتب‌هایی که توسط مخالفان مسلح دولت به آتش کشیده می‌شوند، افزوده می‌شود و بیشتر از نیمی از اطفال واجد شرایط به مکتب نمی‌روند. در حال حاضر توسعه بیماری‌های واگیر از میان اطفال قربانی می‌گیرد و میزان دسترسی آنان به مراکز درمانی و صحتی محدود است و هنوز آمار اطفال کار و اطفال بی‌سرپرست در حال افزایش است.

وضعیتی که بدون تردید توجه عمیق و همه‌جانبه دولت را ایجاب می‌کند تا برنامه‌های بهتری برای حمایت از حقوق بشری اطفال تهیه و عملی شود.

تحقیق بررسی وضعیت حقوق بشری اطفال که به‌صورت سالانه تهیه می‌شود، اهدافی مهم را تعقیب می‌کند که شامل بررسی وضعیت حقوق بشری اطفال، دریافت چالش‌های دسترسی اطفال به حقوق بشری‌شان، جلب توجه دولت و جامعه جهانی به حقوق بشری اطفال و ارائه پیشنهادها روشن به آدرس دولت و جامعه جهانی جهت تهیه و اجرای برنامه‌های بهتر برای بهبود وضعیت حقوق بشری اطفال می‌شود.

روش تحقیق

معلومات این تحقیق با استفاده از دو وسیله شامل مطالعات میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای به دست آمده است. در مطالعات میدانی پرسش‌نامه تکمیل شده و محلات نگهداری اطفال مشاهده و بر آن‌ها نظارت شده است. جامعه آماری این تحقیق تمامی اطفالی بوده‌اند که در سطح ملی وجود دارند و جامعه نمونه آن ۵۳۱۸ طفل بوده است که همکاران بخش حمایت حقوق اطفال کمیسیون در جریان سال ۱۳۹۹ بر وضعیت حقوق بشری آنان نظارت کرده و پرسش‌نامه پر کرده‌اند. معلومات پرسش‌نامه‌ها وارد دیتابیس کمیسیون شده و پس از دسته‌بندی با برنامه SPSS با روش کمی تحلیل شده است.

مشخصات جامعه نمونه

همان‌گونه که گفته شد، جامعه نمونه این تحقیق ۵۳۱۸ طفل بوده است که ۳۸۰۷ تن (۷۱.۶٪) آنان پسر و ۱۵۰۹ تن دیگر (۲۸.۴٪) دختر بوده‌اند.

اطفال شامل تحقیق دارای سنین مختلف بودند که ۱۰۲۴ تن (۱۹.۳٪) بین سنین ۷ تا ۱۱ سال و ۴۲۹۴ تن دیگر (۸۰.۷٪) بین سنین ۱۲ تا ۱۸ سال بودند.

در میان اطفال شامل تحقیق، ۸۳۵ تن (۱۵.۷٪) بیجاشده داخلی و ۱۹۹۰ تن (۳۷.۴٪) عودت‌کننده به وطن و باقی شامل ۲۴۹۳ تن (۴۶.۹٪) غیر از بیجاشدگان دخیلی و عودت‌کنندگان به وطن بوده و در محله مسکونی خود زندگی می‌کردند.

جنسیت اطفال شامل تحقیق	پسر	۳۸۰۷ تن	۷۱.۶٪
	دختر	۱۵۰۹ تن	۲۸.۴٪
سن اطفال شامل تحقیق	شروع ۷ تا تکمیل ۱۱ سال	۱۰۲۴ تن	۱۹.۳٪
	شروع ۱۲ تا تکمیل ۱۸ سال	۴۲۹۴ تن	۸۰.۷٪
اطفال بیجاشده داخلی و عودت‌کننده	اطفال بیجاشده داخلی	۸۳۵	۱۵.۷٪
	اطفال عودت‌کننده از مهاجرت	۱۹۹۰	۳۷.۴٪
	سایر اطفال	۲۴۹۳	۴۶.۹٪

محل زندگی اطفال شامل تحقیق

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال ۱۳۹۹ خورشیدی، ۵۳۱۸ فورم پرسش‌نامه را ضمن نظارت بر وضعیت حقوق بشری اطفال پر کرده است که از این میان ۴۴۵۶ تن (۸۳.۸٪) در خانه خود و همراه با اعضای فامیل خویش زندگی می‌کردند، اما ۸۶۲ تن (۱۶.۲٪) دیگر جدا از خانواده و فامیل زندگی می‌کردند.

محل زندگی اطفال شامل تحقیق		
نام محل زندگی طفل	تعداد	درصد
در خانه خود و همراه با اعضای خانواده اعم از خانواده پدری و خانواده همسر	۴۴۵۶	۸۳.۸٪
در خارج از خانه و خانواده شامل پرورشگاه‌ها و مراکز اصلاح و تربیت	۸۶۲	۱۶.۲٪

اطلاعات این تحقیق نشان می‌دهد که اطفالی که در محلات خارج از خانواده زندگی می‌کردند، ۲۶۴ تن آنان شامل ۳۰.۷٪ کل این افراد در پرورشگاه‌ها و ۵۹۸ تن دیگر شامل ۶۹.۳٪ در مراکز اصلاح و تربیت اطفال به سر می‌بردند که همکاران کمیسیون با مراجعه به محلات یادشده و نظارت بر وضعیت حقوق بشری اطفال، پرسش‌نامه تکمیل کرده‌اند.

تعداد اطفال شامل تحقیقی که در پرورشگاه‌ها و مراکز اصلاح و تربیت بودند		
نام محل	تعداد	درصد آنان نسبت به کل اطفال که خارج از خانواده زندگی می‌کنند
پرورشگاه‌ها	۲۶۴	۳۰.۷٪
مراکز اصلاح و تربیت	۵۹۸	۶۹.۳٪

فصل اول

حقوق مدنی اطفال

اطفال قربانی منازعات مسلحانه
اطفال درگیر در منازعات مسلحانه
اطفال قربانی خشونت
اطفال محروم از هویت
چالش‌های حقوق بشری اطفال در مراکز اصلاح و تربیت

حقوق مدنی، سیاسی

از حقوق بشر دسته‌بندی‌های متعددی صورت گرفته است که مهم‌ترین آن، دسته‌بندی است که در دو کنوانسیون مهم بین‌المللی حقوق مدنی-سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۶ صورت گرفته است.

در این دسته‌بندی همان‌گونه که از عنوان آن پیداست، پنج نوع حقوق بشری تفکیک‌پذیر است.

- ۱- حقوق مدنی؛
- ۲- حقوق سیاسی؛
- ۳- حقوق اقتصادی؛
- ۴- حقوق اجتماعی؛
- ۵- حقوق فرهنگی.

هر پنج عنوان ضمن دو میثاق حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد حمایت قرار گرفته است.

مهم‌ترین عناوین حقوق مدنی و سیاسی شامل موارد زیر می‌شود:

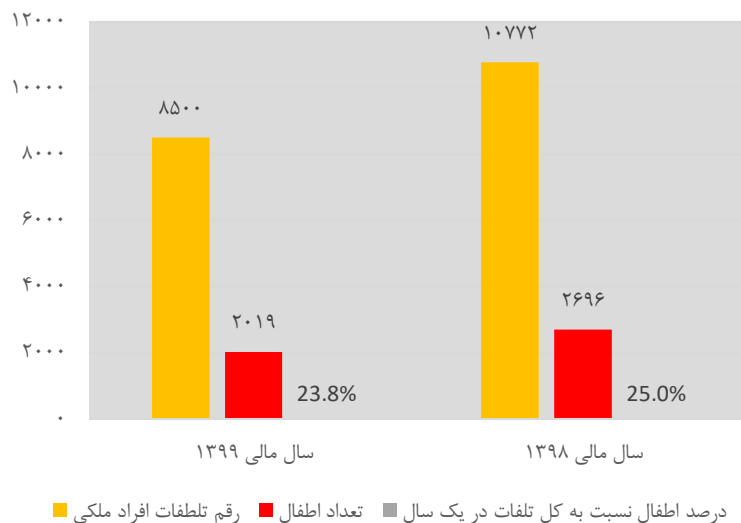
- ۱- حق حیات؛
- ۲- حق کرامت؛
- ۳- حق مصونیت از شکنجه و رفتارهای ظالمانه و غیرانسانی؛
- ۴- حق مصونیت از بردگی یا انجام کار شاقه؛
- ۵- حق آزادی و امنیت شخصی؛
- ۶- حق برخورداری از محاکمات عادلانه؛
- ۷- حق برابری در برابر قانون؛
- ۸- حق مصونیت از توقیف خودسرانه؛
- ۹- حق آزادی گشت‌وگذار؛
- ۱۰- حق انتخاب مسکن؛
- ۱۱- حق برخورداری از شخصیت حقوقی؛
- ۱۲- حق تابعیت؛
- ۱۳- حق مصونیت حریم خصوصی؛
- ۱۴- حق آزادی فکر، وجدان و مذهب؛
- ۱۵- حق مصونیت از تبعیض؛
- ۱۶- حق ازدواج و تشکیل خانواده؛
- ۱۷- حق تشکیل مجامع مسالمت‌آمیز و اعتراض.

نظارت کمیسیون در سال ۱۳۹۹ نشان داده است که برخی از مصادیق حقوق مدنی و سیاسی اطفال با چالش‌های مواجه بوده است که در ادامه بررسی می‌شود.

الف: اطفال قربانی منازعات مسلحانه

مجموع تلفات افراد ملکی که در سال مالی ۱۳۹۹ در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ثبت شده است، به ۸۵۰۰ تن می‌رسند که ۲۰۱۹ تن آنان ۲۳.۸٪ از میان اطفال بوده است. این رقم در سال مالی ۱۳۹۸ (۲۰۱۹ م) که تعداد تلفات افراد ملکی ۱۰۷۷۲ تن ثبت شده بود، ۲۶۹۶ تن شامل ۲۵٪ کل تلفات افراد ملکی بوده است. بنابراین در سال جاری میزان تلفات اطفال در مقایسه با سال قبل نسبت به کل تلفات ملکی ۱.۲٪ و نسبت به تعداد تلفات اطفال ۲۵.۱٪ کاهش داشته است.

تعداد تلفات اطفال در منازعات مسلحانه و جنگ



میزان بالای تلفات اطفال در منازعات مسلحانه سال‌های اخیر مایه نگرانی جدی است و نشان می‌دهد که مردم افغانستان در مجموع به‌خصوص اطفال کشور مصونیت و امنیت شخصی نداشته و با خطرات و چالش‌های جدی در این زمینه مواجه‌اند.

در حالی که دولت افغانستان مبتنی بر مفاد اعلامیه جهانی حقوق طفل، کنوانسیون حقوق طفل و پروتکل‌های مربوط به آن و نیز بر اساس مفاد کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون‌های جنوا وظیفه دارد که در زمینه تأمین امنیت شهروندان به‌خصوص اطفال تدابیر خاصی را در نظر داشته و برنامه‌ریزی کند.

اعلامیه جهانی حقوق طفل ده اصل اساسی را در حمایت از حقوق بشری اطفال مطرح کرده است که مبتنی بر اصل دوم و هشتم آن، اطفال باید در همه حال از اولین کسانی باشند که از حمایت‌های خاص برخوردارند.

ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق طفل به دولت‌های عضو که افغانستان نیز در ۲۸ مارچ ۱۹۹۴ به آن ملحق شده است، وظیفه داده است که در زمینه حمایت از اطفال در جریان منازعات مسلحانه به قوانین بشردوستانه بین‌المللی مربوط به اطفال احترام بگذارند. همچنین این کنوانسیون در بند چهارم ماده ۳۸ خود آورده است، دولت‌ها مکلفیت دارند که کلیه اقدامات عملی را برای اطمینان از حمایت و مراقبت اطفالی که از جنگ متأثر می‌شوند، تحت قوانین بشردوستانه، اتخاذ نمایند.^۱

حمایت از حق امنیت اطفال در ماده ۴۱ کنوانسیون شماره یک، مبنی بر اصل تفکیک اهداف نظامی از غیرنظامی، مورد تأکید قرار گرفته است. ماده سوم مشترک کنوانسیون‌های جنوا بر رعایت حداقل حقوق انسانی در منازعات مسلحانه، به‌ویژه برای کلیه افراد که اطفال بخش از آنان‌اند، تأکید کرده است.^۲

ماده ۱۷ کنوانسیون چهارم به‌صورت خاص به حمایت از اطفال و مادران باردار پرداخته و تأکید می‌کند که طرفین منازعه باید امکانات موردنیاز برای عبور آن‌ها از منطقه جنگی را فراهم کنند.^۳

همچنین بند ۵ ماده ۲۸ کنوانسیون یادشده تسجیل کرده است: «اطفال کمتر از ۱۵ سال و زنان باردار و مادران دارای اطفال کمتر از هفت سال به‌طور خاص مورد حمایت قرار خواهند گرفت».^۴

حمایت از اطفال ضمن ماده ۷۷ پروتکل الحاقی شماره یک کنوانسیون‌های ۴ گانه جنوا نیز به‌خوبی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. گفتنی است دولت افغانستان به کنوانسیون‌های جنوا در سال ۱۹۵۶ و به پروتکل‌های مربوط به آن‌ها در سال ۲۰۰۹ ملحق شده است.

حق تأمین امنیت شهروندان از جمله اطفال مبتنی بر ماده پنجم و ششم قانون اساسی کشور نیز از مکلفیت‌های دولت افغانستان دانسته می‌شود. ماده پنجم قانون اساسی تسجیل کرده است: «تطبیق احکام این قانون اساسی و سایر قوانین، دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و تأمین امنیت و قابلیت دفاعی کشور از وظایف اساسی دولت می‌باشد».^۵ بنابراین، تأمین امنیت شهروندان از جمله اطفال از مکلفیت‌ها و وظایف دولت جمهوری اسلامی افغانستان است.

۱. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون حقوق طفل، سال ۱۹۸۹، بند اول ماده ۳۸

۲. همان، بند ۴ ماده ۳۸

۳. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون شماره ۱ جنوا، سال ۱۹۴۹، ماده ۴۱

۴. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون شماره ۴ جنوا، سال ۱۹۴۹، ماده ۱۷

۵. قبلی بند ۵ ماده ۲۸

۶. وزارت عدلیه ج، ا، قانون اساسی افغانستان، سال ۱۳۸۲ جریده رسمی شماره فوق‌العاده ۸۱۸، ماده ۵.

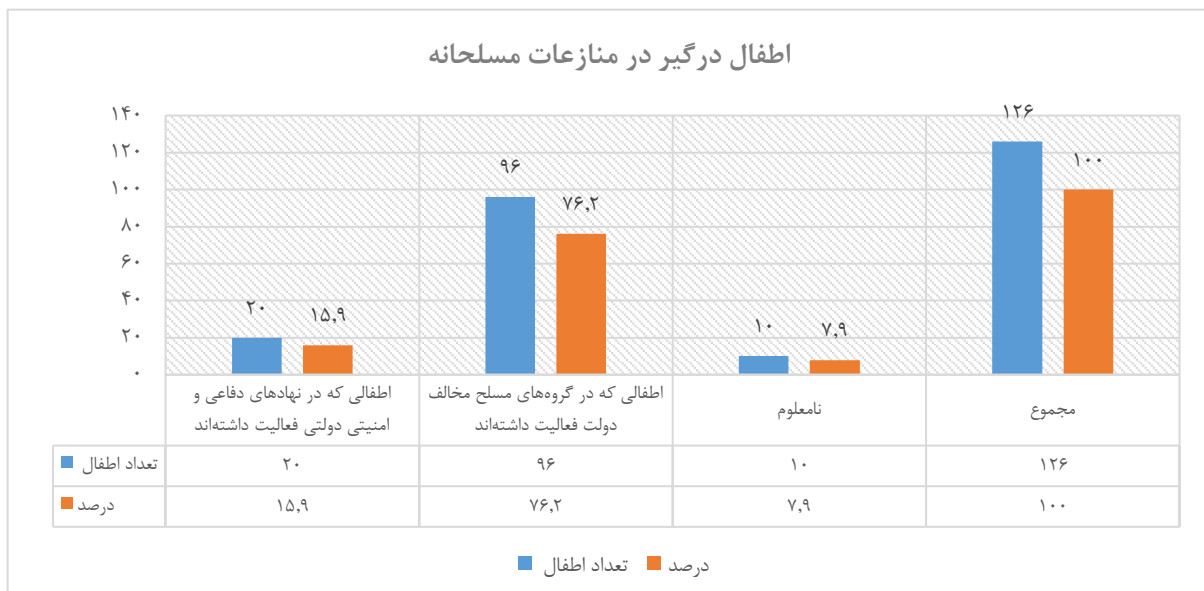
ماده ششم قانون اساسی نیز مسئولیت‌های مشخصی از جمله حفظ کرامت انسانی شهروندان و حمایت از حقوق بشری آنان را به‌عنوان مکلفیت دولت در برابر شهروندان که اطفال نیز بخش از آنان‌اند، تعریف کرده است.^۷

قانون حمایت حقوق طفل سند ملی دیگری است که به‌تفصیل به مکلفیت‌های دولت در حمایت از حقوق اطفال پرداخته است. بند ۲ ماده ۱۳ این قانون به حمایت از حق حیات اطفال تسجیل کرده است: «وزارت‌ها و ادارات دولتی و غیردولتی ذیربط مکلف‌اند به‌منظور تأمین حق حیات و رشد سالم طفل، تدابیری لازم را اتخاذ و عملی نمایند»^۸.

ب: اطفال درگیر در منازعات مسلحانه

آمار به ثبت رسیده در بانک معلوماتی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان می‌دهد که در سال مالی ۱۳۹۹ تعداد ۱۲۶ طفل در صفوف نیروهای مسلح اعم از نیروهای دولتی و گروه‌های مسلح مخالف دولت فعالیت داشته‌اند. این معلومات نشان می‌دهد که از میان ۱۲۶ تن ۲۰ تن آنان (۱۵.۹٪) در صفوف نیروهای دولتی و ۹۶ تن دیگر (۷۶.۲٪) در صفوف نیروهای مسلح غیردولتی شامل گروه‌های مسلح مخالف دولت، فعالیت داشته‌اند. در مصاحبه‌هایی که با اطفال درگیر در منازعه یا اقارب آنان انجام یافته است ۱۰ تن آن‌ها (۷.۹٪) از این که در صفوف کدام‌یکی از نیروهای مسلح دولتی و غیردولتی فعالیت دارند، حرفی نگفته‌اند.

باید افزود تعداد یادشده بدون شک شامل تمام اطفالی نمی‌شود که در صفوف گروه‌های مسلح دولتی و غیردولتی فعالیت دارند. بلکه این رقم تنها شامل کسانی می‌شود که توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان شناسایی و ثبت شده‌اند. در حالی که آمار واقعی ممکن خیلی بیشتر از این باشد.



در سال مالی ۱۳۹۸ تعداد اطفالی که در صفوف گروه‌های مسلح دولتی و غیردولتی فعالیت داشته و توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان شناسایی شده بود، به ۹۰ تن می‌رسید که ۲۸.۶٪ کمتر از رقم سال ۱۳۹۹ بوده است.

هم‌چنین این معلومات نشان داده است که افزون بر اطفال درگیر در منازعات، تعداد ۱۳ طفل دیگر به‌عنوان کارگر در قطعات نظامی و امنیتی دولتی و پوسته‌های نظامی مخالفان دولت مصروف بوده‌اند. این بحث در بخش اطفال کارگر نیز به‌تفصیل توضیح داده خواهد شد.

باید افزود، با توجه به این که دولت افغانستان در حال حاضر نهمین گزارش خود را به کمیته حقوق طفل درباره اطفال درگیر منازعه تهیه می‌کند، شناسایی اطفال درگیر منازعه و جداسازی آنان از صفوف نظامی از اهمیتی خاص برخوردار است.

منع استخدام اطفال در صفوف نیروهای مسلح افزون بر این که در کنوانسیون‌های چهارگانه جنوا تسجیل شده است، قوانین ملی افغانستان نیز استخدام اطفال در گروه‌ها و نهادهای مسلح را منع کرده است.

^۷ قبلی، ماده ۶.

^۸ وزارت عدلیه ج. ا.، قانون حمایت حقوق طفل، سال ۱۳۹۷، جریده رسمی شماره ۱۳۳۴، بند ۲ ماده ۱۳.

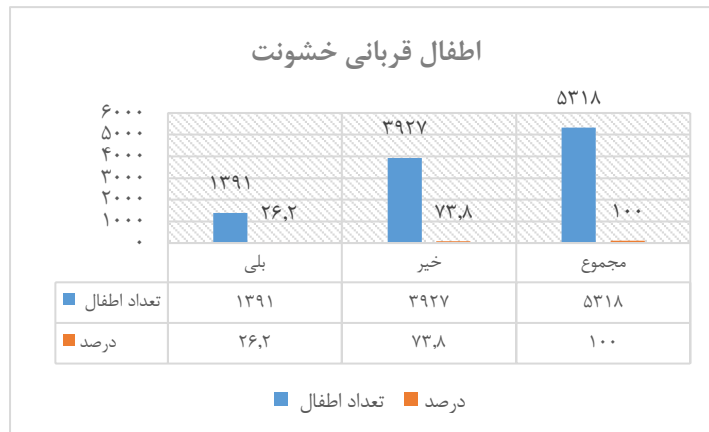
بند ۲ ماده ۷۷ پروتکل شماره دو کنوانسیون‌های جنوا به ممنوعیت استخدام اطفال در صفوف نظامی تأکید کرده است. در بخشی از این ماده آمده است: «طرف‌های مخاصمه هرگونه اقدام ممکن را به عمل خواهند آورد تا اطفال که به سن پانزده سالگی نرسیده‌اند، به‌طور مستقیم در مخاصمات شرکت ننمایند».^۹

ماده سوم قانون منع استخدام اطفال در قطعات نظامی افغانستان نیز بر منع استخدام اطفال و هر نوع استفاده از آنان در قطعات نظامی تأکید نموده است.^{۱۰}

ماده ۷۵ قانون حمایت اطفال نیز استخدام اطفال در قطعات نظامی دولتی و غیردولتی را ممنوع قرار داده تسجیل کرده است: «استخدام طفل و استفاده از آن در قطعات نظامی اعم از قوت‌های وزارت‌های دفاع ملی و امور داخله و ریاست عمومی امنیت ملی یا سایر ادارات دارای تشکیلات نظامی ممنوع می‌باشد. این عمل نقض حقوق بشری طفل شمرده شده، متخلف مطابق احکام قانون مورد تعقیب عدلی قرار داده می‌شود».^{۱۱}

ج: اطفال قربانی خشونت

رقم اطفال قربانی خشونت در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال قبل افزایشی قابل ملاحظه داشته است. بر اساس معلومات به ثبت رسیده در دیتابیس کمیسیون در سال ۱۳۹۹، از میان ۵۳۱۸ طفل که بر وضعیت حقوق بشری آنان نظارت شده و پرسش‌نامه تکمیل شده است،

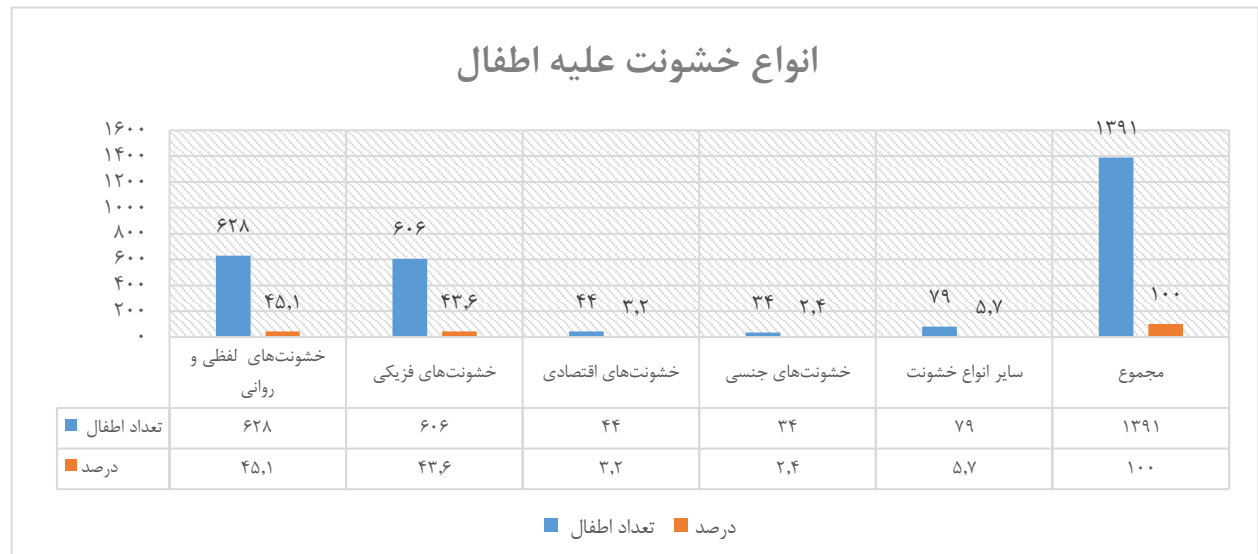


۱۳۹۱ تن (۲۶.۲٪) آنان تأیید کرده‌اند که در جریان سال، مورد خشونت قرار گرفته‌اند. در حالی که این رقم در سال ۱۳۹۸ خورشیدی ۵۳۵ تن از میان ۵۲۴۸ طفل؛ یعنی ۱۰.۲٪ آنان بود. بنابراین در سال ۱۳۹۹ موارد خشونت علیه اطفال ۱۶٪ افزایش یافته است.

از میان ۱۳۹۱ طفلی که قربانی خشونت بوده‌اند، ۹۴۸ تن (۶۸.۲٪) پسر و ۴۴۳ تن (۳۱.۸٪) دیگر دختر بوده‌اند.

نوع خشونت علیه اطفال

معلومات ثبت شده در بانک اطلاعات کمیسیون نشان می‌دهد که از مجموع قضایای خشونت علیه اطفال در سال ۱۳۹۹ خورشیدی، ۴۵.۱٪ شامل ۶۲۸ تن قربانی خشونت‌های روانی، ۴۳.۶٪ شامل ۶۰۶ تن قربانی خشونت‌های فیزیکی، ۳.۲٪ شامل ۴۴ تن قربانی خشونت‌های



^۹. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، پروتکل شماره دو الحاقی کنوانسیون‌های جنوا، سال ۱۹۷۷، بند ماده ۷۷

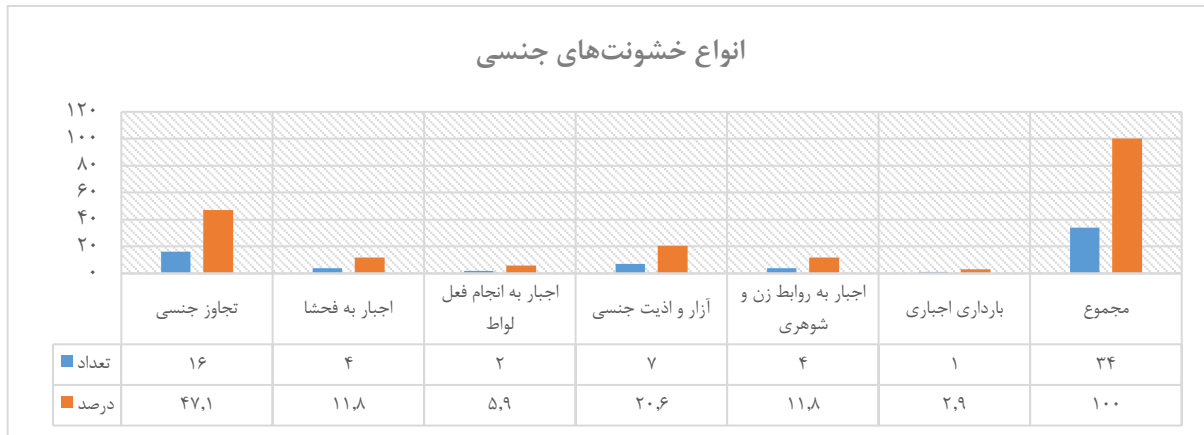
^{۱۰}. وزارت عدلیه ج.ا.ا. قانون منع استخدام اطفال در قطعات نظامی، سال ۱۳۹۳، جریده رسمی شماره ۱۱۶۲، ماده ۳

^{۱۱}. وزارت عدلیه ج.ا.ا. قانون حمایت حقوق طفل، سال ۱۳۹۷، جریده رسمی شماره ۱۳۳۴، ماده ۷۵

اقتصادی و ۲.۴٪ شامل ۳۴ تن قربانی خشونت‌های جنسی بوده‌اند. ۵.۷٪ شامل ۷۹ تن از سایر انواع خشونت نام برده‌اند که شامل خشونت‌های لفظی-روانی، فیزیکی، اقتصادی و جنسی نیست.

انواع خشونت‌های جنسی

یافته‌های این تحقیق نشان داده است که ۳۴ طفل شامل تحقیق قربانی خشونت‌های جنسی بوده‌اند. اطفال یادشده در ۱۶ مورد (۴۷.۱٪)



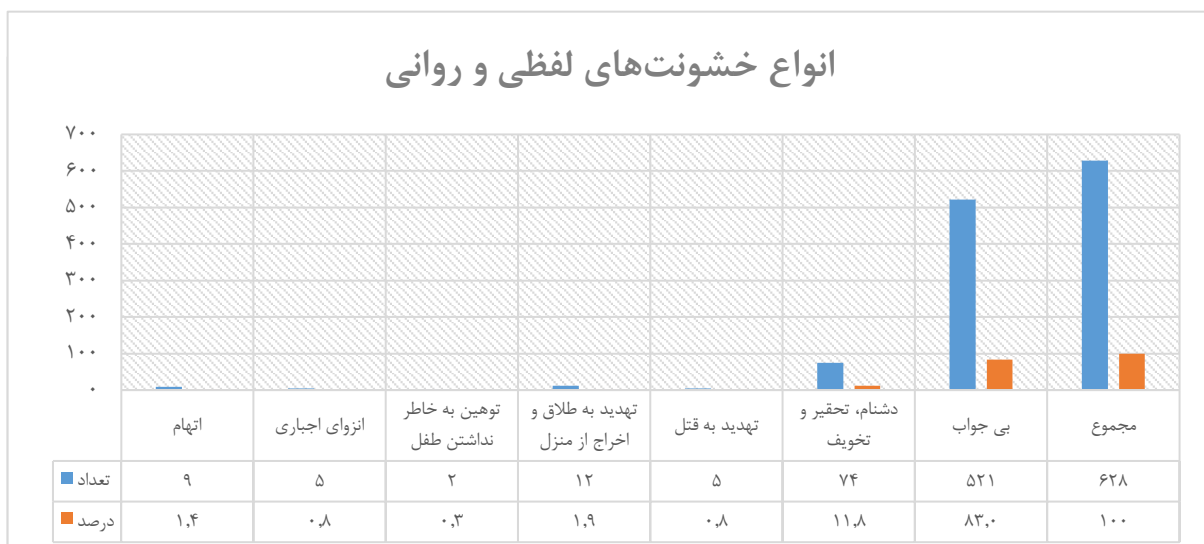
قربانی تجاوز جنسی، در ۴ مورد (۱۱.۸٪) قربانی اجبار به فحشا، در ۲ مورد (۵.۹٪) قربانی اجبار به فعل لواط، در ۷ مورد (۲۰.۶٪) قربانی آزار و اذیت جنسی، در ۴ مورد (۱۱.۸٪) اجبار به روابط زن و شوهری خلاف خواست خود و در ۱ مورد (۲.۹٪) قربانی بارداری اجباری بوده‌اند.

انواع خشونت‌های فیزیکی

بر بنیاد معلومات این تحقیق اطفال قربانی خشونت‌های فیزیکی در ۱۱ مورد (۱.۸٪) به قتل رسیده‌اند، به شمول ۳ مورد قتل ناموسی، در ۲ مورد (۰.۳٪) آتش زده شده‌اند، هم‌چنین در ۲ مورد (۰.۳٪) اعضای بدن آنان قطع شده است، در ۷ مورد (۱.۲٪) ضرب و جرح شده‌اند، در ۱ مورد (۰.۲٪) اجبار به استفاده از مواد مخدر شده، در ۳ مورد (۰.۵٪) به کار اجباری کشانده شده‌اند و در ۱۱۷ مورد (۱۹.۳٪) لت و کوب شده‌اند. در ۴۶۳ مورد (۷۶.۴٪) نوع خشونت فیزیکی معین نشده است.

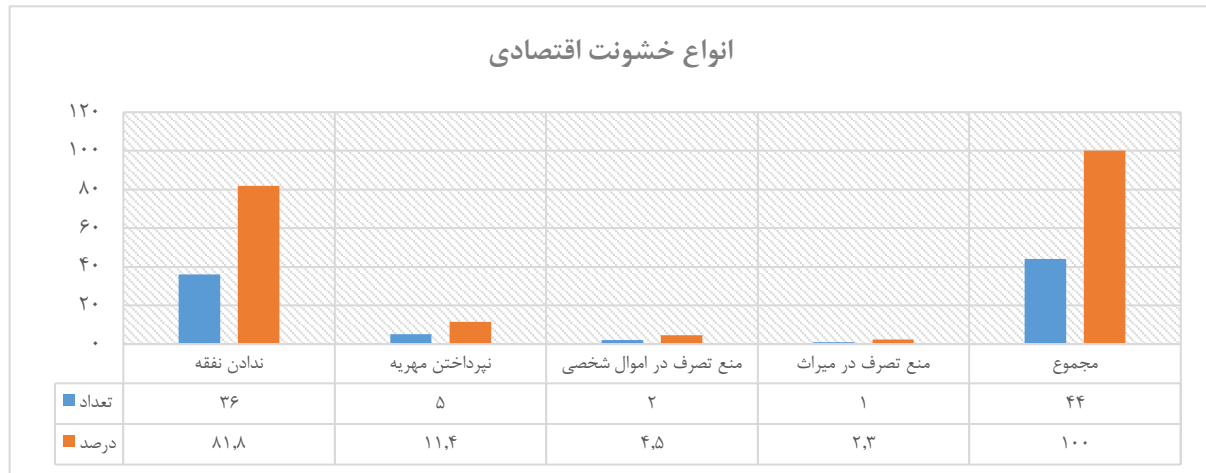
انواع خشونت‌های لفظی و روانی

از مجموع ۶۲۸ طفلی که قربانی خشونت‌های لفظی و روانی بوده‌اند در ۹ مورد (۱.۴٪) اطفال مورد اتهام قرار گرفته‌اند، در ۵ مورد (۰.۸٪) به انزوای اجباری کشانده شده‌اند، در ۲ مورد (۰.۳٪) به خاطر نداشتن طفل توهین شده‌اند، در ۱۲ مورد (۱.۹٪) تهدید به طلاق و اخراج از خانه شده‌اند، در ۵ مورد (۰.۸٪) تهدید به قتل شده‌اند و ۷۴ مورد (۱۱.۸٪) دشنام تحقیر و تخویف شده‌اند. در ۵۲۱ مورد (۸۳٪) اطفال قربانی خشونت‌های لفظی و روانی، نوع خشونت را معین نکرده‌اند.



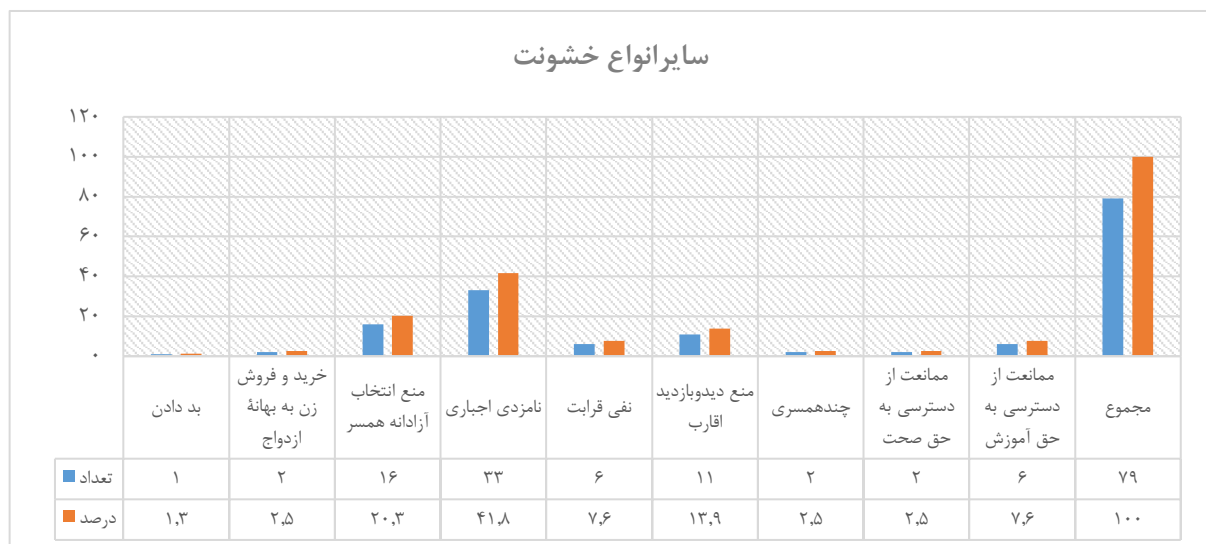
انواع خشونت‌های اقتصادی

یافته‌های کمیسیون نشان داده است که ۴۴ تن از کودکان شامل تحقیق قربانی خشونت‌های اقتصادی بوده‌اند که از این میان در ۳۶ مورد (۸۱٫۸٪) از حق نفقه محروم شده، (این اطفال دخترانی بوده‌اند ازدواج کرده بودند) در ۵ مورد (۱۱٫۴٪) از حق دریافت مهریه خود محروم شده بودند، (این اطفال نیز دخترانی بوده‌اند ازدواج کرده بودند) در ۲ مورد (۴٫۵٪) از حق تصرف در اموال شخصی و در ۱ مورد (۲٫۳٪) از حق تصرف در ارث محروم شده‌اند.



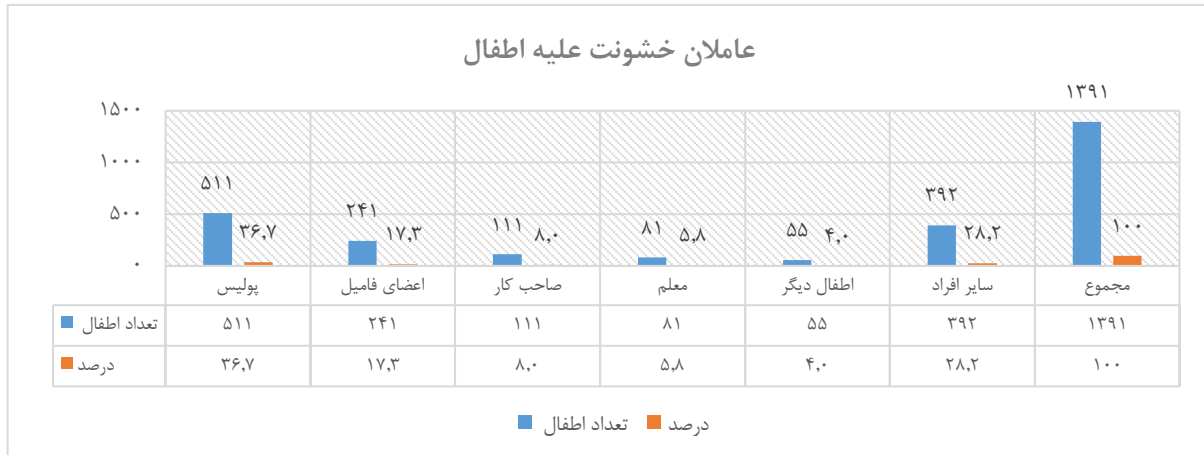
سایر انواع خشونت

در بخش سایر انواع خشونت علیه اطفال، از انواعی یاد شده که از خشونت‌های روانی، فیزیکی، اقتصادی و جنسی نبوده است. این خشونت‌ها شامل ۱ مورد (۱٫۳٪) بد دادن، ۲ مورد (۲٫۵٪) خرید و فروش زن به بهانه ازدواج، ۱۶ مورد (۲۰٫۳٪) منع آزادانه انتخاب همسر، ۳۳ مورد (۴۱٫۸٪) نامزدی اجباری، ۶ مورد (۷٫۶٪) نفی قرابت، ۱۱ مورد (۱۳٫۹٪) منع دیدوبازدید اقارب، ۲ مورد (۲٫۵٪) چندهمسری، ۲ مورد (۲٫۵٪) منع دسترسی به خدمات صحت، ۶ مورد (۷٫۶٪) منع دسترسی به تعلیم و تربیت می‌شود.



عاملان خشونت علیه اطفال

یافته‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال ۱۳۹۹ نشان می‌دهد که از میان ۱۳۹۱ طفلی که مورد خشونت قرار گرفته‌اند ۵۱۱ تن (۳۶.۷٪) آنان گفته‌اند که عامل خشونت علیه آنان افراد وابسته به پولیس بوده‌اند. ۲۴۱ تن (۱۷.۳٪) اعضای خانواده خود را به‌عنوان عامل خشونت علیه خودش معرفی کرده، ۱۱۱ تن (۸٪) از صاحب‌کار خود و ۸۱ تن (۵.۸٪) از معلم خود، ۵۵ تن (۴٪) از دیگر اطفال و ۳۹۲ تن دیگر (۲۸.۲٪) از سایر افراد به‌عنوان عامل خشونت علیه خود نام برده‌اند.



خشونت علیه اطفال بر اساس قواعد و مقررات بین‌المللی و قوانین ملی ممنوع است و دولت افغانستان وظیفه دارد که با ایجاد ظرفیت‌های حقوقی و ساختاری از اطفال در برابر خشونت حمایت کند.

ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق طفل بر مسئولیت‌های دولت‌های عضو تأکید کرده می‌نویسد:

«دول طرف کنوانسیون باید کلیه تدابیر قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی را اتخاذ نمایند تا طفل را در برابر خشونت‌های جسمی و ذهنی، جرح و سوءاستفاده، برخورد کاهلانه و سهل‌انگارانه، بدرفتاری و استثمار به شمول سوءاستفاده جنسی در هنگامی که طفل تحت سرپرستی والدین، سرپرستان قانونی و یا دیگر افرادی که مراقبت از وی را به عهده‌دارند به سر می‌برد، حمایت نمایند»^{۱۲}

در ادامه ماده ۱۹ این کنوانسیون بر اتخاذ تدابیر و برنامه‌های که بتواند ظرفیت‌های حمایت جدی از اطفال در برابر خشونت را ایجاد کند، تأکید شده تسجیل شده است:

«چنین تدابیر حمایتی در صورت اقتضا باید شامل روش‌های موثر برای ایجاد پرو گرام‌هایی شود که حمایت لازم را برای طفل و کسی که از او مراقبت می‌کند و نیز اشکال دیگر شناسایی و حمایت، راپوردهی، ارجاع، تحقیق و بررسی، رویه و پیگیری موارد قبلاً توضیح داده‌شده بدرفتاری با طفل و در صورت اقتضا، برای دخیل شدن قوه قضائیه فراهم آورد»^{۱۳}

حمایت از اطفال در برابر خشونت به‌عنوان یک وظیفه برای دولت، ضمن قوانین ملی افغانستان نیز تسجیل شده است. قانون حمایت حقوق طفل، قانون مبارزه با قاچاق انسان و مهاجران، قانون مراکز اصلاح و تربیت اطفال، قانون منع آزارواذیت زنان و اطفال از قوانینی‌اند که به‌صورت مشخص موادی را در زمینه حمایت اطفال در برابر خشونت در خود جای داده‌اند.

د: اطفال محروم از هویت

داشتن تذکره یا سند اثبات هویت از مهم‌ترین حقوق بشری اطفال دانسته می‌شود. کارت تولد، تذکره و پاسپورت از اسنادی‌اند که می‌توانند برای اطفال اثبات هویت کنند. در این بخش از تحقیق دو موضوع بررسی شده است: یکم، نداشتن سند اثبات هویت، به‌ویژه تذکره و دسترسی نداشتن به آن؛ زیرا در بحث نداشتن سند هویت ممکن است عوامل مختلفی نقش داشته باشد که بخش عمده آن متأثر از غفلت والدین و

^{۱۲}. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون حقوق طفل، سال ۱۹۸۹، بند اول ماده ۱۹

^{۱۳}. قبلی، بند دوم ماده ۱۹

مراجعه نکردن آنان به مراکز ثبت هویت است. دوم، دسترسی نداشتن به سند اثبات هویت که بیشتر شامل اطفال می‌شود که والدین آنان نامشخص بوده و عملاً در پرورشگاه‌ها و مراکز حمایت اطفال زندگی می‌کنند. در موضوع دوم بحث نبود سازوکارهای روشن تثبیت هویت اطفال و صدور سند اثبات هویت یا تذکره برای این اطفال مطرح است.

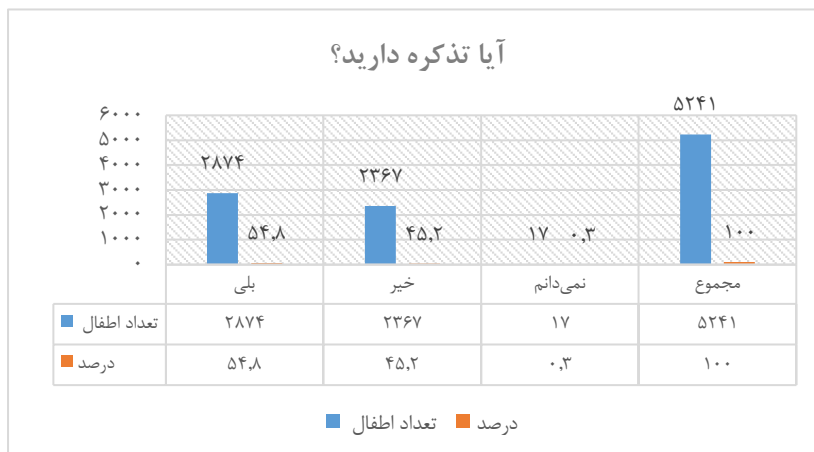
این در حالی است که دولت افغانستان با توجه به مفاد ماده ۸ کنوانسیون حقوق طفل وظیفه دارد تا به نسب یا هویت اطفال احترام گزارده و سازوکارهای حمایتی در زمینه شناسایی نسب و اعاده هویت اطفال را ایجاد کند.

دول طرف کنوانسیون متعهد می‌شوند که بدون مداخله رنج‌آور حق طفل را در هویتش به شمول تابعیت نام و نسب فامیلی آن‌طور که قانون مشخص می‌کند، احترام بگذارند.

در جایی که یک طفل به صورت غیرقانونی از بعضی یا تمام عناصر هویتش محروم می‌شود، دول طرف کنوانسیون باید کمک‌ها و حمایت‌های لازم را به منظور اعاده هرچه زودتر هویت وی تدارک ببینند^{۱۴}»

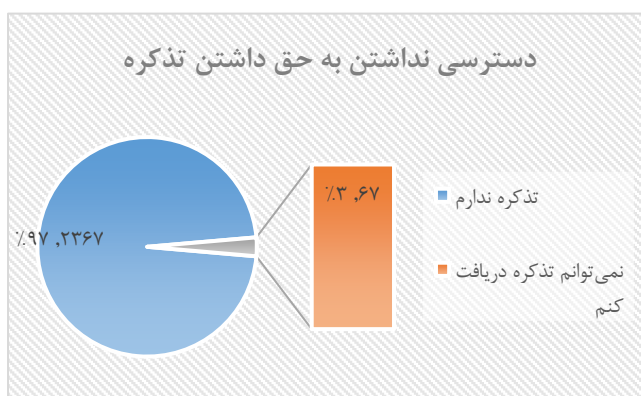
قانون حمایت حقوق اطفال نیز ضمن مواد ۱۵ تا ۱۷ خویش حق داشتن تابعیت، حفظ نسب و ثبت تولد را تسجیل کرده است. همچنین ماده ۹ قانون تابعیت افغانستان حق دسترسی اطفالی را که در قلمرو افغانستان یا از مادر و پدر افغانستانی در خارج از قلمرو افغانستان، متولد شود به رسمیت شناخته است. بنابراین دولت افغانستان وظیفه دارد زمینه‌های مورد نیاز دسترسی اطفال را به این حق فراهم کند.

یک: اطفالی که تذکره ندارند



معلومات ثبت شده در دیتابیس کمیسیون نشان می‌دهد که از میان ۵۳۱۸ طفلی که بر وضعیت حقوق بشری آنان نظارت شده و فورمه پر شده است، ۲۸۷۴ تن از آنان (۵۴٫۸٪) تأیید کرده‌اند که تذکره داشته‌اند و ۲۳۶۷ تن از آنان (۴۵٫۲٪) گفته‌اند که تذکره ندارند. در نهایت ۱۷ تن باقی‌مانده (۰٫۳٪) در پاسخ به همکاران کمیسیون گفته‌اند نمی‌دانند که تذکره دارند یا خیر.

دو: اطفالی که نمی‌توانند تذکره بگیرند



در بحث دسترسی نداشتن کودکان به حق داشتن تذکره (حق داشتن تابعیت) یافته‌های کمیسیون در تحقیقی که در ماه میزان ۱۳۹۹ با عنوان «اطفال بدون هویت در پرورشگاه‌های افغانستان» انجام داده و به نشر رسانده^{۱۵}، نشان داده است که ۶۷ تن از اطفال، عملاً از حق دسترسی به تذکره یا سند اثبات هویت محروم‌اند؛ زیرا والدین آنان نامعلوم بوده و در پرورشگاه‌ها زندگی می‌کنند. دولت افغانستان نیز هنوز نتوانسته است راهکار روشنی را برای ثبت هویت اطفال که والدین آنان نامعلوم‌اند، ایجاد کرده و زمینه دسترسی این اطفال را به حق ثبت هویت یا داشتن تذکره تابعیت فراهم کند. بنابراین و با

توجه به معلومات به دست آمده در بحث قبلی که نشان داده شد ۲۳۶۷ تن از اطفال گفته بودند که تذکره ندارند، می‌توان گفت که ۶۷ تن

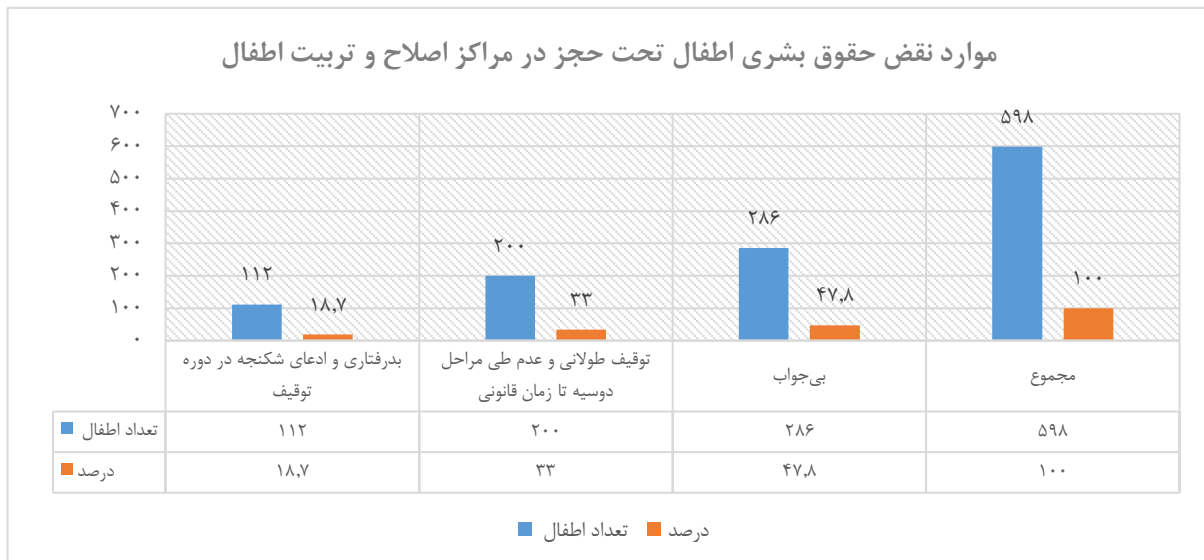
^{۱۴}. قبلی، ماده ۸

^{۱۵}. https://www.aihrc.org.af/home/research_report/۹۰۱۶

آنان (۳٪) از حق دسترسی به تابعیت یا داشتن تذکره محروم‌اند و به دلیل مشخص نبودن هویت والدین‌شان، نمی‌توانند تذکره دریافت کنند.

هـ چالش‌های حقوق بشری اطفال در مراکز اصلاح و تربیت

از میان ۵۳۱۸ طفلی که بر وضعیت حقوق بشری آنان نظارت شده و فورمه پر شده است، ۵۹۸ تن از آنان در مراکز اصلاح و تربیت به سر می‌برند. در این بخش به توضیح چالش‌ها و مشکلات پرداخته می‌شود که اطفال ساکن در مراکز اصلاح و تربیت با آن مواجه بوده‌اند.



یافته‌های نظارت کمیسیون از وضعیت حقوق بشری اطفال تحت حجز در مراکز اصلاح و تربیت نشان داده است که از میان ۵۹۸ طفل، ۱۱۲ تن از آنان (۱۸٫۷٪) ادعا کرده‌اند که با آنان بدرفتاری شده و در دوره توقیف شکنجه شده‌اند، همچنین ۲۰۰ تن (۳۳٪) گفته‌اند که بیشتر از مدت معین در توقیف به سر برده‌اند و به دوسیه‌های آنان در موعد معین شده در ماده‌های ۱۴ و ۳۰ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال ۱۶ رسیدگی نشده است. در نهایت ۲۸۶ تن از اطفال ساکن در مراکز اصلاح و تربیت اطفال (تحت حجز) از موارد نقض حقوق بشری‌شان سخنی نگفته‌اند.

میزان بدرفتاری یا ادعای شکنجه اطفال در سال جاری نسبت به سال ۱۳۹۸ که در آن ۱۰۱ تن از میان ۵۹۱ طفل شامل ۱۷٫۱٪ مدعی بدرفتاری و شکنجه از سوی مسئولان شده بودند، ۱٫۶٪ افزایش داشته است.

باید افزود که بدرفتاری و تعذیب یا شکنجه انسان مبتنی بر ماده ۲۹ قانون اساسی و مفاد قانون منع شکنجه ۱۷ و کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز^{۱۸}، ممنوع بوده و عاملان آن باید مجازات شود. همچنین زمان توقیف و رسیدگی به تخلفات اطفال در مواد ۱۴ و ۳۰ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال بیان شده است.

^{۱۶}. وزارت عدلیه ج.ا.ا. قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، سال ۱۳۸۴، ماده‌های ۱۴ و ۳۰ شماره فوق‌العاده جریده رسمی شماره ۸۴۶

^{۱۷}. وزارت عدلیه ج.ا.ا. قانون منع شکنجه، سال ۱۳۹۶، جریده رسمی شماره ۱۲۵۶

^{۱۸}. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، ۱۹۸۴

فصل دوم

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اطفال

چالش‌های دسترسی اطفال به تعلیم و تربیت

چالش‌های دسترسی اطفال به حق صحت

اطفال کار

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اطفال

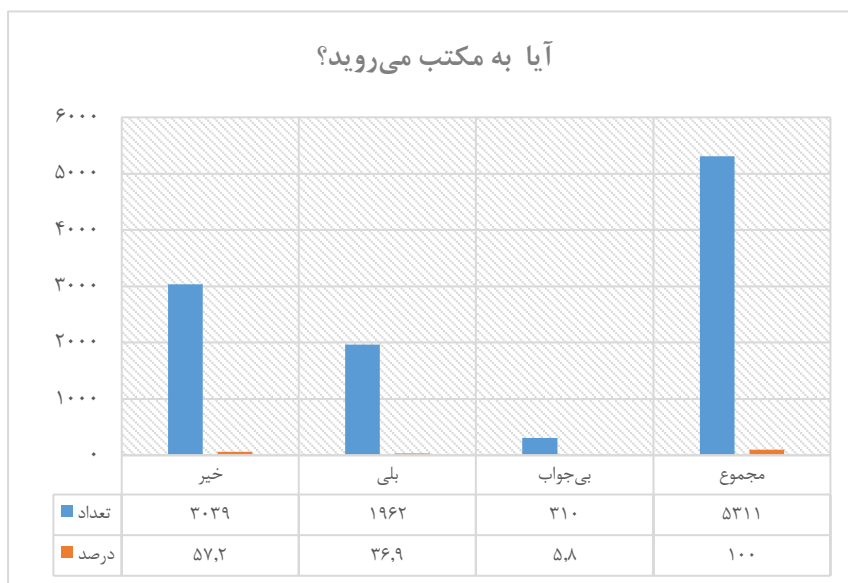
چنان که قبلاً اشاره شد، مصادیق حقوق بشر در کنوانسیون‌های بین‌المللی ۱۹۶۶ به دو دسته کلی حقوق مدنی-سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تقسیم شده بود.

مهم‌ترین مصادیق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شامل عناوین زیر می‌شود:

- ۱- حق آموزش یا تعلیم و تربیت؛
- ۲- حق دسترسی به خدمات صحتی و محیط‌زیست سالم؛
- ۳- حق کار و دسترسی به حمایت‌های موردنیاز ایمنی و سلامتی کارگر؛
- ۴- حق برخورداری از تأمینات و امنیت اجتماعی؛
- ۵- حق برخورداری از خانواده؛
- ۶- حق برخورداری از سطح مناسب زندگی و مصونیت غذایی؛
- ۷- حق اشتراک آزادانه در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی؛ و برخورداری از منافع مادی و معنوی فعالیت‌های خود.

در این بخش نیز مبتنی بر یافته‌های کمیسیون، در سال مالی ۱۳۹۹ بخشی از مصادیق حقوق بشری اطفال که با چالش مواجه بوده است، بررسی و تحلیل شده است.

الف: چالش‌های دسترسی اطفال به تعلیم و تربیت



بر اساس یافته‌های این تحقیق از میان ۵۳۱۸ تن از اطفالی شامل تحقیق سن ۴ تن آنان زیر ۷ سال و ۳ تن دیگر نامعلوم ثبت شده است. این یعنی ۵۳۱۱ تن آنان شامل ۹۹٫۹٪ بالای ۷ سال و واجد شرایط رفتن به مکتب بوده‌اند. در حالی که از این میان تنها ۱۹۶۲ تن شامل ۳۶٫۹٪ آنان تأیید کرده‌اند که به مکتب می‌روند؛ و ۳۰۳۹ تن شامل ۵۷٫۲٪ گفته‌اند که به مکتب نمی‌روند. ۳۱۰ تن دیگر شامل ۵٫۸٪ اطفال واجد شرایط رفتن به مکتب به این پرسش پاسخ نداده و مشخص نشده‌اند که به مکتب می‌روند یا نمی‌روند.

معلومات کمیسیون در سال گذشته نشان داده بود که از میان ۵۲۴۸ طفل شامل تحقیق که واجد شرایط رفتن به مکتب بودند، ۲۶۶۱ تن آنان شامل ۵۰٫۷٪ به مکتب نمی‌رفتند. بنابراین در سال ۱۳۹۹ رقم اطفال واجد شرایطی که از رفتن به مکتب محروم شده‌اند، نسبت به سال قبل (۱۳۹۸) ۶٫۵٪ افزایش یافته است.

دلایل و علل نرفتن به مکتب

کودکانی که دارای شرایط رفتن به مکتب بودند، ولی به مکتب نمی‌رفتند، دلایل و علل متعدد زیر را برای نرفتن‌شان به مکتب عنوان کرده‌اند.

۱۴۵ تن شامل ۴٫۸٪ کسانی که به مکتب نمی‌رفتند، گفته‌اند که دلیل نرفتن آنان به مکتب این است که جامعه نسبت به مکتب دیدگاه منفی دارند. ۲۵۱ تن (۸٫۳٪) از نبود امنیت لازم، ۱۶۳۳ تن (۵۳٫۷٪) از مصروفیت‌شان به کار، ۷۳ تن (۲٫۴٪) از دوری راه مکتب، ۳۱ تن

(۱٪) از بسته بودن یا نبودن مکتب، ۷۴۵ تن (۲۴.۵٪) از مشکلات مالی و اقتصادی خانواده‌های خود، ۱۴۷ تن (۴.۸٪) از اجازه ندادن خانواده‌های خود، ۱۴ تن (۰.۵٪) از نبود تسهیلات موردنیاز در مکاتب به‌عنوان دلایل یا علل نرفتن خود به مکتب یاد کرده‌اند.

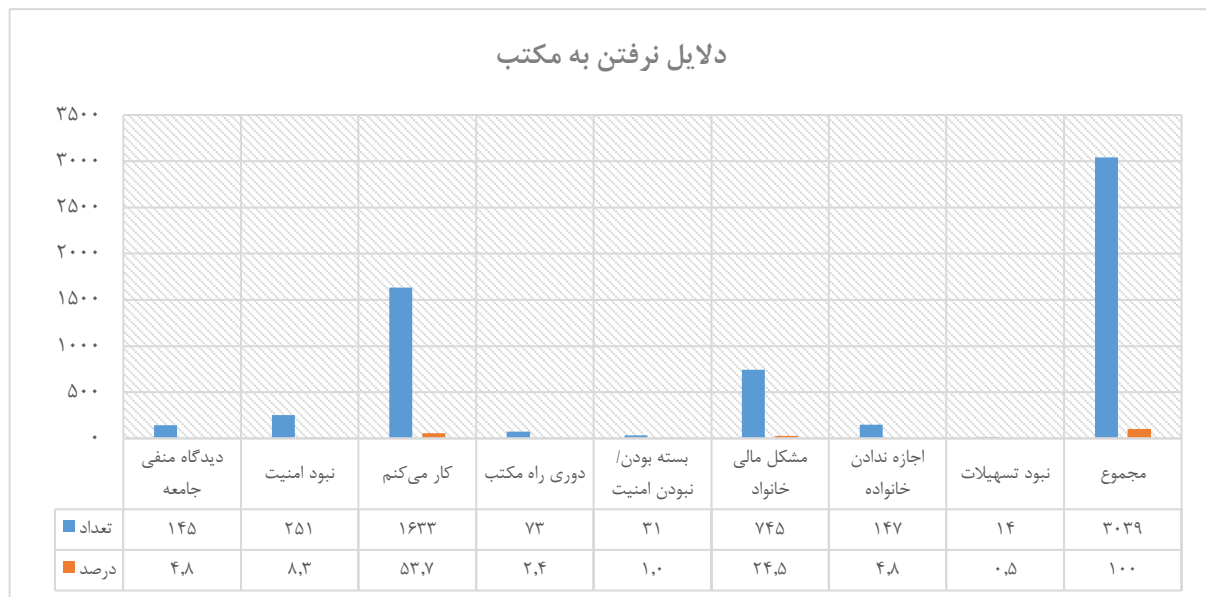
درخور یادآوری است که در سال ۱۳۹۹ شیوع بیماری کوید-۱۹ سبب شد تا مکاتب سراسر کشور در ۵ ماه اول سال تعطیل شده و تمامی شاگردان مکاتب از رفتن به مکتب بازمانند.

یافته‌های نهاد محافظت از اطفال نشان داده است که در جریان بحران کرونا نزدیک به ۱۰ میلیون طفل از رفتن به مکتب و دسترسی به آموزش‌های علمی بازماندند.^{۱۹} بر بنیاد معلومات به‌دست‌آمده در یک تحقیق کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان که با عنوان «بررسی اجمالی تأثیر کوید-۱۹ بر وضعیت حقوق بشری اطفال افغانستان» در ماه میزان ۱۳۹۹ منتشر شد، آموزش‌های آنلاین وزارت معارف نیز مؤثریت چندانی نداشته و به دلایل مثل فقر خانواده‌ها، نبود انترنت در منطقه و نبود برق موردنیاز دستگاه‌های تلفن و کامپیوتر، شمار زیادی از متعلمین نتوانستند از این برنامه استفاده کنند.^{۲۰}

اما رقم ۵۷.۲٪ اطفالی که در این تحقیق گفته‌اند به مکتب نمی‌روند، تنها شامل کسانی می‌شود که در زمان باز بودن مکاتب از رفتن به مکتب محروم بوده‌اند. رقمی که عملاً یک فاجعه به‌حساب آمده و نیازمند بازنگری پالیسی‌ها و برنامه‌های مربوط به تعلیم و تربیت در سطح ملی است.

دولت افغانستان مبتنی بر ماده ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی مکلف به فراهم‌آوری زمینه‌های دسترسی برابر شهروندان به تعلیم و تربیت در سراسر کشور است. هم‌چنین ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به کشورهای عضو وظیفه داده است که زمینه‌های موردنیاز دسترسی اطفال به حق آموزش رایگان را بدون تبعیض فراهم کنند. مواد ۴۸ تا ۵۶ قانون حمایت حقوق اطفال نیز مصادیق حق آموزش و شرایط دسترسی اطفال به این حق را به وضاحت تسجیل کرده است.

ب: چالش‌های دسترسی اطفال به حق صحت



دسترسی افراد، از جمله اطفال، به حق صحت از مصادیق مهم حقوق بشری آنان دانسته می‌شود و افزون بر این‌که در قواعد و مقررات بین‌المللی حقوق بشر از جمله ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، موردحمایت است و فراهم‌آوری زمینه‌های دسترسی به این حق به‌عنوان یک مکلفیت برای دولت‌ها تسجیل شده است، ماده‌های ۵۲ و ۵۳ قانون اساسی افغانستان نیز ایجاد شرایط دسترسی شهروندان به حق صحت را به‌عنوان یک مکلفیت به عهده دولت تسجیل کرده است. دسترسی اطفال به حق صحت و فراهم‌آوری زمینه‌های عاری از تبعیض در سراسر کشور توسط دولت ضمن مواد ۲۸ تا ۴۷ قانون حمایت حقوق طفل نیز تسجیل شده است.

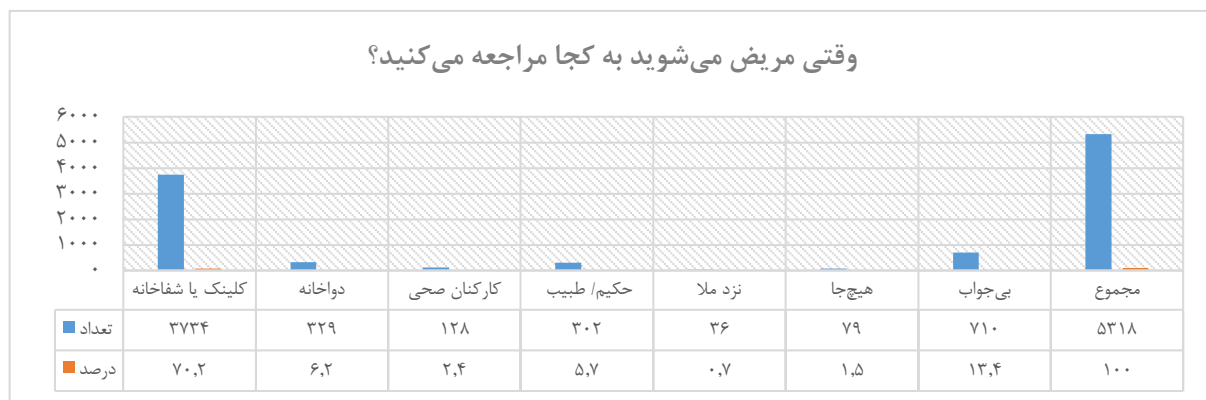
¹⁹. resourcecentre.savethechildren.net/node/17878/pdf/everything_has_changed_-_childrens_reflections_on_the_impact_of_covid-19_in_afghanistan2.pdf

²⁰. https://www.aihrc.org.af/home/research_report/9020

یافته‌های این تحقیق نشان داده است که در سال ۱۳۹۹ از میان ۵۳۱۸ طفلی که بر وضعیت حقوق بشری آنان نظارت شده است، ۳۷۳۴ تن (۷۰.۲٪) گفته‌اند که وقتی مریض می‌شوند به داکتر در معاینه‌خانه وی یا کلینیک و شفاخانه مراجعه می‌کنند، اما ۱۵۸۴ تن (۲۹.۸٪) گفته‌اند که در هنگام مریضی به داکتر در معاینه‌خانه یا کلینیک و شفاخانه مراجعه نمی‌کنند. گفتنی است در سال گذشته (۱۳۹۸) این رقم ۳۶۹۷ تن شامل ۷۰.۴٪ از اطفال شامل تحقیق (۵۲۴۸ تن) بوده است. بنابراین در سال مالی ۱۳۹۹ میزان اطفالی که به داکتر در معاینه‌خانه یا کلینیک و شفاخانه در هنگام بیماری مراجعه می‌کنند، ۰.۲٪ کمتر شده است.

اطفالی که تأیید کرده‌اند در هنگام مریضی به داکتر یا شفاخانه و کلینیک مراجعه نمی‌کنند، از جاهای دیگری مثل دواخانه، (۳۲۹ تن ۶.۲٪) کارکنان صحت (۱۲۸ تن ۲.۴٪) حکیم یا طبیب (۳۰۲ تن ۵.۷٪) و ملا (۳۶ تن ۰.۷٪) یاد کرده‌اند که همکام مریضی برای تداوی به آن‌جا یا آن‌ها مراجعه می‌کنند. هم‌چنین ۷۹ تن (۱.۵٪) آنان گفته‌اند که وقتی مریض می‌شوند به هیچ جای خاصی مراجعه نمی‌کنند و ۷۱۰ تن دیگر (۱۳.۴٪) به این پرسش پاسخ نداده‌اند.

افزون بر چالش‌های یادشده، یک نظرسنجی وزارت خارجه امریکا در سال ۱۳۹۸ در خصوص استفاده از مواد مخدر در افغانستان مشخص کرده است که تعداد مصرف‌کنندگان مواد مخدر در میان اطفال در حدود ۳۰۰ هزار تن است.^{۲۱}



باید اذعان کرد که تا کنون آمار دقیقی از تعداد اطفالی که از مواد مخدر استفاده می‌کند در دست نیست. ولی آنچه مسلم است که این است که امروزه افزون بر دیگر چالش‌های صحتی اطفال، اعتیاد به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها و تهدید جدی علیه سلامتی اطفال در افغانستان دانسته می‌شود.

تحقیق کمیسیون که با عنوان «بررسی اجمالی تأثیر کوید-۱۹ بر وضعیت حقوق بشری اطفال در افغانستان» در ماه میزان ۱۳۹۹ به نشر رساند، نیز برخی از چالش‌های صحتی اطفال و مشکلات ناشی از شیوع بیماری کوید-۱۹ در افغانستان را شناسایی و بررسی کرده است. بر اساس یافته‌های تحقیق یادشده تا تاریخ ۵ میزان ۱۳۹۹، تعداد ۱۱۲۶ طفل به بیماری کوید-۱۹ مبتلا شده بودند که ۶ تن (۰.۵۳٪) آنان جان باخته بود. جان‌باختگان شامل ۱ دختر و ۵ پسر گزارش شده بود.^{۲۲}

دلایل مراجعه نکردن اطفال به داکتر در هنگام مریضی

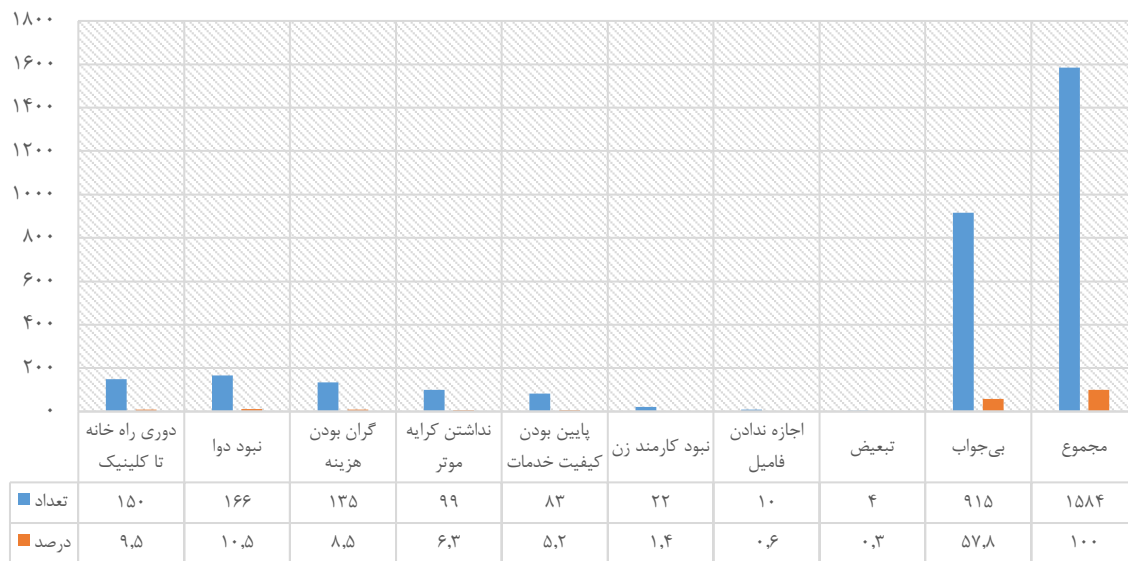
همان‌گونه که روشن شد از میان ۵۳۱۸ تن از اطفال شامل تحقیق ۳۷۳۴ تن آنان گفته بودند که وقتی مریض می‌شوند به داکتر در معاینه‌خانه یا کلینیک و شفاخانه مراجعه می‌کنند. بنابراین ۱۵۸۴ تن باقی‌مانده در وقت مریضی به داکتر در معاینه‌خانه یا کلینیک و شفاخانه مراجعه نمی‌کنند. این تعداد شامل تمام کسانی می‌شود که در هنگام مریضی به جاهای دیگری مثل دواخانه، نزد کارمند صحت، طبیب یا ملا مراجعه کرده یا به هیچ جایی مراجعه نمی‌کنند. شماری از افراد یادشده دلایل مختلفی را برای مراجعه نکردن خویش به داکتر یا کلینیک و شفاخانه یاد کرده‌اند که ذیلاً به آن پرداخته می‌شود.

از میان اطفالی که در وقت مریضی به داکتر در کلینیک یا شفاخانه مراجعه نمی‌کنند، ۱۵۰ تن شامل ۲۲٪ از دوری راه، ۱۶۶ تن (۲۴.۴٪) از نبود دوا در کلینیک‌ها و شفاخانه‌ها، ۱۳۵ تن (۱۹.۸٪) از گران بودن فیس داکتر، ۹۹ تن (۱۴.۵٪) از ناتوانی پرداخت کرایه موتر تا معاینه‌خانه داکتر یا شفاخانه و کلینیک، ۸۳ تن (۱۲.۲٪) از پایین بودن کیفیت خدمات و بی‌اعتمادی به داکتر، ۲۲ تن (۳.۲٪) از نبود داکتر

^{۲۱}. روزنامه ماندگار، تاریخ دریافت: ۱۲ سرطان ۱۳۹۹، <https://mandegardaily.com/reports>

^{۲۲}. https://www.aihrc.org.af/home/research_report/۹۰۲۰۲۲

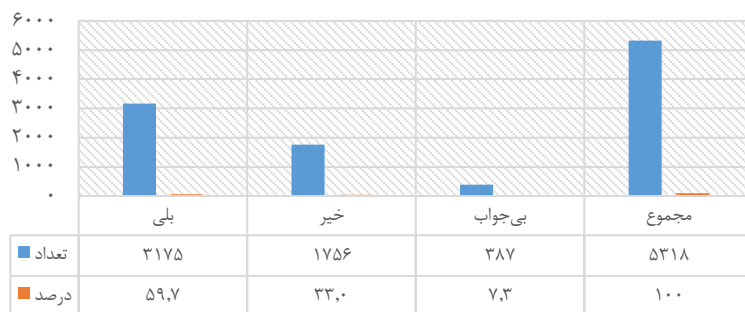
دلایل یا علل مراجعه نکردن به کلینیک یا شفاخانه



زن در کلینیک‌ها یا شفاخانه‌ها، ۱۰ تن (۱.۵٪) از اجازه ندادن فامیل برای مراجعه، ۴ تن از برخورد تبعیض‌آمیز داکتر یا کارمندان شفاخانه‌ها و کلینیک‌ها به‌عنوان دلایل یا علل مراجعه نکردن خود به داکتر در شفاخانه یا کلینیک نام برده‌اند. ۹۱۵ تن (۵۷.۸٪) دلیلی خاصی را یاد نکرده‌اند.

ج: اطفال کارگر

آیا کار می‌کنید؟



بر اساس یافته‌های این تحقیق از میان ۵۳۱۸ طفلی که پرسش‌نامه پر کرده‌اند، ۳۱۷۵ تن (۵۹.۷٪) تأیید کرده‌اند که کار می‌کنند. ۱۷۵۶ تن دیگر شامل ۳۳٪ گفته‌اند که کار نمی‌کنند و ۳۸۷ تن دیگر (۷.۳٪) به این پرسش پاسخ ن داده‌اند.

اگرچه کار اطفال در نزدیک به تمام کشورهای جهان، تحت شرایط خاصی معمول است ولی آنچه در این آمار برای ما تکان‌دهنده است تعداد اطفال کارگری

است که در آن ۵۹.۷٪ اطفال عملاً تأیید کرده‌اند که کار می‌کنند این آمار نسبت به آمار سال قبل ۱۰.۵٪ افزایش را نشان می‌دهد. در سال قبل (۱۳۹۸) تعداد اطفال کارگر ۲۵۸۲ تن از میان ۵۲۴۸ طفل شامل ۴۹.۲٪ گزارش شده بود.

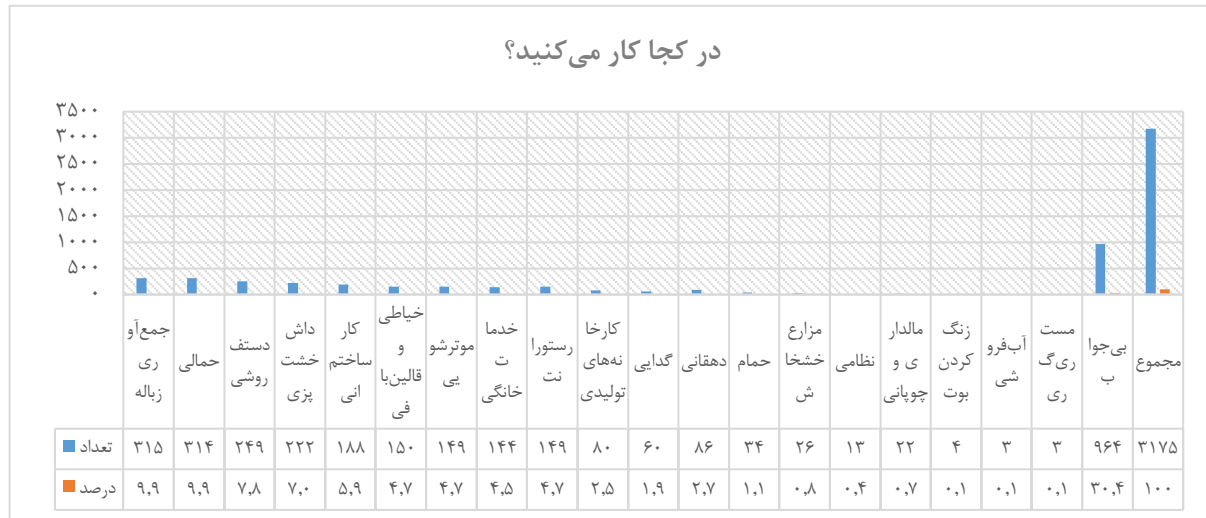
نوع کار اطفال

بر اساس یافته‌های این تحقیق، اطفال کارگر در کارهای مختلفی به شرح زیر مصروف بوده‌اند:

جمع‌آوری زباله ۳۱۵ تن شامل ۹.۹٪، حمالی ۳۱۴ تن شامل ۹.۹٪، دست‌فروشی ۲۴۹ تن شامل ۷.۸٪، خشت‌پزی ۲۲۲ تن شامل ۷٪، کارگری در کارهای ساختمانی ۱۸۸ تن شامل ۵.۹٪، خیاطی و قالین‌بافی ۱۵۰ تن شامل ۴.۷٪، موترشویی ۱۴۹ تن شامل ۴.۷٪، کار در خانه‌ها به‌عنوان خدمه خانگی ۱۴۴ تن شامل ۴.۵٪، کار در رستوران‌ها یا هتل‌ها ۱۴۹ تن شامل ۴.۷٪، کار در کارخانه‌های صنعتی ۸۰ تن شامل ۲.۵٪، گدایی ۶۰ تن شامل ۱.۹٪، دهقانی ۸۶ تن شامل ۲.۷٪، کار در حمام ۳۴ تن شامل ۱.۱٪، کار در مزارع خشکاش ۲۶ تن شامل ۰.۸٪، کار در نهاده‌ها و گروه‌های نظامی و امنیتی به‌عنوان کارگر نه‌عسکر ۱۳ تن شامل ۰.۴٪، مالداري و چوپانی ۲۲ تن شامل ۰.۷٪، رنگ کردن بوت ۴ تن شامل ۰.۱٪، آب‌فروشی ۳ تن شامل ۰.۱٪، کار در مستری‌خانه ۱ تن شامل ۰.۱٪.

۹۶۴ تن باقی‌مانده (۳۰.۴٪) نوع کارشان را مشخص نکرده‌اند.

آنچه در بخش نوع کار اطفال می‌تواند چشم‌گیر و تأمل‌انگیز باشد، کار اطفال در محلاتی مانند کار در نهادهای و گروه‌های نظامی و امنیتی به‌عنوان کارگر، کار در مزارع خشخاش، کار در کره‌های خشت‌پزی، گدایی و کار در کارخانه‌های صنعتی است که از نوع کار شاق و همراه با خطر برای سلامتی و صحت اطفال است.



گفتنی است دولت افغانستان سندی را از سوی وزارت کار و امور اجتماعی تهیه کرده است که در آن کارهای آسیب‌رسان برای اطفال فهرست و اشتغال اطفال در این کارها ممنوع اعلان شده است. ولی با آن‌هم هنوز اطفال در کارهایی مصروف‌اند که مطابق این فهرست ممنوع است.

به لحاظ حقوقی، کار اطفال تابع شرایطی خاصی است که افزون بر قوانین ملی در قواعد و اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز به‌صورت واضح تسجیل شده است.

بند سوم ماده ۴۹ قانون اساسی افغانستان تحمیل کار بر اطفال را ممنوع قرار داده است. هم‌چنین مبنی بر مفاد ماده‌های ۶۲ قانون حمایت حقوق اطفال ادارات دولتی وظیفه دارند که از استخدام اطفال در کار به مقصد بهره‌کشی یا کار طاقت‌فرسا به شمول سوءاستفاده از طفل در گدایی یا کارهای مضر به سلامت جسمی، ذهنی، روانی، معنوی یا اجتماعی یا کاری که در تعلیم، تربیت و آموزش طفل اختلال وارد کند با اتخاذ تدابیر لازم جلوگیری کنند^{۲۳}.

بند اول ماده ۶۳ قانون حمایت حقوق طفل، استخدام نوجوانان به کارهای شاق و شبانه ممنوع قرار داده تسجیل کرده است:

«استخدام نوجوانان به کارهای فیزیکی، ثقیل، مضر به صحت و زیرزمینی، اجرای کار شبانه اضافه‌کاری یا مسافرت به‌منظور انجام کار رسمی مطابق احکام قانون کار ممنوع می‌باشد. متخلف طبق احکام قانون مجازات می‌گردد^{۲۴}» هم‌چنین منع استخدام نوجوانان در کارهای مندرج بند اول ماده ۶۳ قانون حمایت حقوق طفل در مواد ۲۰ تا ۳۰ قانون کار افغانستان نیز به وضاحت تسجیل شده است.

دولت افغانستان مبنی بر مفاد ماده‌های ۳۲ کنوانسیون حقوق طفل نیز مکلفیت دارد در زمینه حمایت اطفال کارگر تدابیر موردنیاز را اتخاذ کند.

در بخشی از این ماده آمده است: «دول طرف کنوانسیون باید حق طفل را به حمایت در برابر استثمار و انجام هر کاری که می‌تواند مشقت‌بار باشد، یا با تحصیل طفل تداخل نماید، یا به رشد جسمی، ذهنی، روحی، معنوی و اجتماعی طفل ضرر برساند، به رسمیت بشناسد.»

هم‌چنین در ادامه بند اول تسجیل شده است:

^{۲۳}. وزارت عدلیه ج.ا.ا. قانون حمایت حقوق طفل، سال ۱۳۹۷، بند اول ماده ۶۲، جریده رسمی شماره ۱۳۳۴

^{۲۴}. قبلی، بند اول ماده ۶۳

«دول طرف کنوانسیون باید اقدامات قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی را برای اطمینان از تطبیق ماده حاضر اتخاذ کنند به این منظور و با توجه به شرایط دیگر اسناد بین‌المللی دولت‌ها باید به‌خصوص:

الف) حداقل سن یا سنین استخدام را پیش‌بینی و تثبیت کنند؛

ب) مقررات ساعات کار و شرایط استخدام را پیش‌بینی و تثبیت کنند؛

ج) مجازات لازم و دیگر ضمانت‌ها را برای اطمینان از اجرای ماده حاضر، پیش‌بینی و تثبیت کنند.»^{۲۵}

^{۲۵}. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون حقوق اطفال، سال ۱۹۸۹، ماده ۲۳

فصل سوم

اجراآت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

اجراآت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با در نظر داشت مکلفیت قانونی خویش از حقوق بشری اطفال حمایت می‌کند. حمایت از حقوق اطفال شامل نظارت بر وضعیت آن‌ها و بررسی یا رسیدگی به قضایای نقض حقوق بشری کودکان می‌شود.

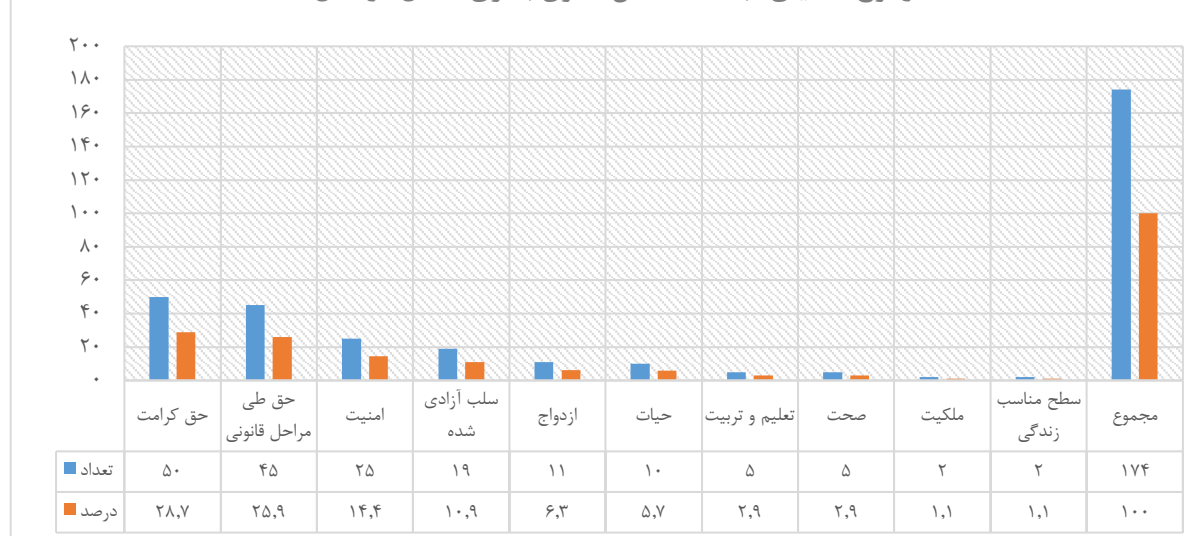
نظارت بر وضعیت حقوق بشری اطفال کار شیوه خاص خود را داشته و در آن همکاران کمیسیون مسئولیت دارند با مراجعه به مراکز مثل مکتب‌ها، کودکان‌ها، کلینیک‌ها و شفاخانه‌های اختصاصی اطفال، نهادهای اجتماعی، فرهنگی، حمایتی و ورزشی اطفال، پرورشگاه‌ها، مراکز اصلاح و تربیت اطفال، حلقه‌های کارگر، نهادهایی که در عرصه حمایت از حقوق بشری اطفال فعالیت دارند، خانواده‌ها در سطح شهر و قریه و هر جایی که بتوان فرصت صحبت با اطفال را داشته باشند، با آنان در مورد وضعیت حقوق بشری‌شان صحبت کرده و پرسش‌نامه پر می‌کنند. معلومات پرسش‌نامه‌های کامل شده وارد دیتابیس کمیسیون می‌شود که بعد از دسته‌بندی، تحلیل آماری می‌شود.

اما در بخش رسیدگی یا بررسی قضایای نقض حقوق بشری که عموماً پس از ثبت شکایت اطفالی که به دفاتر ساحوی و ولایتی کمیسیون مراجعه و قضیه ثبت کرده‌اند، آغاز می‌شود، در مرحله اول همکاران کمیسیون وظیفه دارند شکایت وارده را ثبت و قضایای نقض حقوق بشری اطفال را از سایر قضایا تفکیک کنند. در مرحله دوم که مرحله پیگیری و دادخواهی برای قضایای نقض حقوق بشری اطفال نیز گفته می‌شود، تمام قضایا به مراجع عدلی و قضایی ارجاع داده شده و تا مرحله رسیدگی کامل بر روند رسیدگی به آن نظارت می‌شود.

مشوره‌دهی حقوقی، دادخواهی، تلاش برای جلب توجه نهادهای مسئول برای فراهم‌آوری زمینه‌های همکاری و مساعدت حقوقی در جریان رسیدگی به قضیه، تلاش برای جلب حمایت نهادها و مراکز حمایت اطفال و زنان برای فراهم‌آوری زمینه‌ها و شرایط نگهداری اطفالی که نیازمند زندگی جدا از خانواده‌های خوداند و تلاش برای جلب توجه نهادهای مسئول به منظور فراهم‌آوری زمینه‌های ادغام مجدد اطفال با خانواده و اجتماع از مهم گام‌هایی است که کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با هدف حمایت از اطفال قربانی نقض حقوق بشر در جریان رسیدگی به قضیه انجام می‌دهد.

معلومات ثبت شده در دیتابیس اداره قضیه که به ثبت قضایای نقض حقوق بشری اطفال اختصاص دارد، نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۹ خورشیدی ۱۷۴ قضیه نقض حقوق بشری اطفال در دفاتر ساحوی و ولایتی کمیسیون شده است که از این میان ۵۰ مورد (۲۸.۷٪) نقض حق کرامت انسانی اطفال، ۴۵ مورد (۲۵.۹٪) نقض حق طی مراحل دوسیه اطفال تحت حجز در موعد قانونی، ۲۵ مورد (۱۴.۴٪) نقض حق امنیت اطفال، ۱۹ مورد (۱۰.۹٪) نقض حق سلب آزادی شدگان در توقیف‌خانه‌ها و مراکز اصلاح و تربیت اطفال، ۱۱ مورد (۶.۳٪) نقض حق ازدواج و تشکیل خانواده به شمول ازدواج‌های زیر سن و اجباری، ۱۰ مورد (۵.۷٪) نقض حق حیات یا زندگی اطفال، ۵ مورد (۲.۹٪) نقض حق دسترسی به تعلیم و تربیت اطفال، ۵ مورد (۲.۹٪) نقض دسترسی به خدمات صحتی، ۲ مورد (۱.۱٪) نقض حق ملکیت و ۲ مورد دیگر (۱.۱٪) نقض حق دسترسی به سطح مناسب زندگی بوده‌اند.

تعداد و نوع قضایای ثبت شده نقض حقوق بشری اطفال در سال ۱۳۹۹



اقدامات عملی کمیسیون

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان پس از بررسی و ثبت قضایایی که در آن نقض حقوق بشری اطفال شناسایی شده است، اقدامات عملی را مبتنی بر نوع و مقتضیات قضیه انجام داده است که شامل موارد زیر می‌شود.

الف: دادخواهی

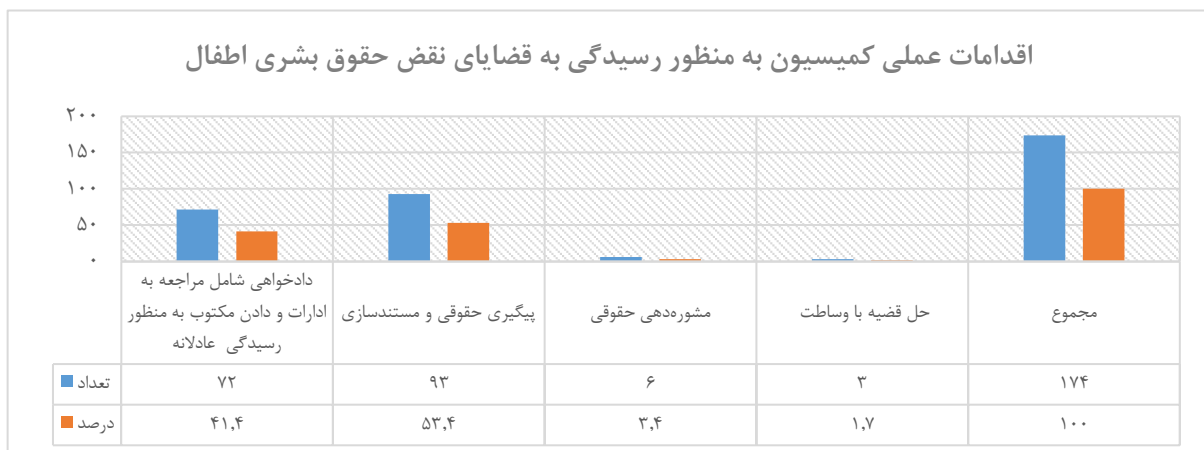
در ۷۲ قضیه (۴۱.۶٪) کمیسیون مبتنی بر ایجابات قضیه برای تأمین عدالت دادخواهی انجام داده است که عمدتاً از طریق مراجعه به نهادهای کشفی، عدلی و قضایی و اشخاص مؤثر در قضیه و صدور مکتوب به آدرس نهادهای یادشده انجام یافته است.

ب: پیگیری حقوقی

در ۹۳ قضیه (۵۳.۴٪) کمیسیون از طریق نظارت بر روند رسیدگی به قضیه، ارسال مکتوب و مراجعه به نهادهای ذیربط، پیگیری حقوقی انجام داده و به منظور تأمین عدالت در روند رسیدگی به قضیه، فعالیت مؤثر داشته است.

د: مشورده‌دهی حقوقی

کمیسیون در ۶ قضیه (۳.۴٪) به منظور پیگیری قضیه و رسیدگی به آن مشورت حقوقی داده و در نهایت در ۳ قضیه که وصف جرمی نداشته اما حقوق بشری اطفال در آن نقض شده بود، کمیسیون در تماس با تمام طرف‌های قضیه موفق به حل آن شده و از تداوم نقض حقوق بشری اطفال جلوگیری کرده است.



ه: اجرای پروژه‌های تحقیقی

اجرای پروژه‌های تحقیقی و تهیه و نشر گزارش‌های مربوط به آن به هدف شناسایی چالش‌ها و دستاوردهای دولت در زمینه توسعه و انکشاف حقوق بشری کودکان، ارائه پیشنهادها دقیق برای رفع چالش‌های شناسایی شده در نتیجه پروژه‌های تحقیقی، دادخواهی در سطح ملی و محلی برای ایجاد زمینه‌ها و شرایط بهتر دسترسی اطفال به حقوق بشری‌شان اعم از حقوق مدنی-سایسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، گامی دیگر است که کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مبتنی بر مفاد ماده ۵۸ قانون اساسی و مواد ۵ و ۲۱ قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های خود با هدف حمایت از حقوق بشری اطفال و بهبود آن انجام می‌دهد.

کمیسیون مستقل حقوق بشری افغانستان در سال ۱۳۹۹ افزون بر تحقیق بررسی وضعیت حقوق بشری اطفال، تحقیقات دیگری را با عنوان بررسی اجمالی، تأثیر کوید-۱۹ بر وضعیت حقوق بشری اطفال، اطفال بدون هویت در پرورشگاه‌های افغانستان نیز انجام داده و یافته‌های تحقیقات یادشده را همراه با پیشنهادها روشن به منظور رفع چالش‌های شناسایی شده در گزارش‌های تحقیقی خاصی منتشر کرده است.

ه: آگاهی‌دهی

کمیسیون به منظور بالا بردن سطح آگاهی مردم، به‌ویژه اطفال و خانواده‌ها، برنامه‌های آگاهی‌دهی را در مرکز و ولایات راه‌اندازی کرده است که آگاهی‌دهی در زمینه حقوق اطفال جزو این برنامه‌ها بوده است. همچنین کمیسیون طی سال ۱۳۹۹ دو عنوان کتاب حقوق طفل (در

زمینه حق حیات و حق صحت) را در ژانر داستان به سه زبان فارسی، پشتو و ازبکی در همکاری با مرکز منابع دانشگاه کابل تهیه و تدوین کرده است. افزون بر این، دو رساله در زمینه حقوق اطفالی که شامل حقوق مندرج در کنوانسیون حقوق طفل می‌شود در دو سطح برای کودکان و نوجوانان به زبان ساده و به شکل مصور تدوین کرده است که آماده چاپ است. قرار است این کتب برای شاگردان و معلمان، پرورشگاه‌ها و مراکز اصلاح و تربیت اطفال توزیع شود.

نتایج کلی:

نتایج کلی این تحقیق نشان داد که کودکان هنوز با مشکلات و چالش‌های جدی حقوق بشری مواجه‌اند. در سال‌های اخیر بخشی عمده از قربانیان مخاصمات مسلحانه را اطفال تشکیل داده و اطراف درگیری و جنگ اصول و معیارهای حقوق بشردوستانه را رعایت نکرده و در جریان جنگ اهداف نظامی و غیرنظامی را از هم تفکیک نمی‌کنند و هر دو طرف جنگ از اطفال در پوسته‌های نظامی‌شان استفاده می‌کنند. اطفال افغانستان با انواع خشونت در خانواده و اجتماع به‌صورت فزاینده‌ای روبه‌رویند. به قتل می‌رسند، قربانی قتل‌های (ناموسی) می‌باشند و مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند. هم‌چنین شمار زیادی از اطفال نتوانسته‌اند به دلایل مختلفی تذکره هویت دریافت کنند. جدی‌ترین پرسش در این زمینه این است که هنوز شماری از کودکان بدون هویت به دلیل معلوم نبودن والدین‌شان، نتوانسته‌اند تذکره تابعیت دریافت کنند.

اطفالی که به‌عنوان تحت حجز در مراکز اصلاح و تربیت به سر می‌برند نیز با مشکلاتی پرشماری از جمله بدرفتاری، شکنجه، طی مراحل قانونی نشدن دو سیه‌های‌شان در زمان معین مطابق قانون و چالش‌های معیشتی مواجه‌اند.

در حال حاضر بیشتر از نیمی از جمعیت اطفال دارای شرایط رفتن به مکتب به دلایل متفاوتی مانند ناامنی، فقر و باورهای نادرست مردم، به‌خصوص والدین‌شان، محروم‌اند. دسترسی اطفال به حق صحت و درمان نیز با مشکلاتی مواجه بوده و تعداد اطفال کار همه‌ساله روبه‌افزایش گزارش می‌شود. ظرفیت‌های حمایتی اطفال، به‌ویژه کودکان کار، قناعت‌بخش نیست.

پیشنهاده‌ها:

- ۱- بالا بردن سطح آگاهی عامه درباره حقوق اطفال، مسئولیت والدین، سرپرستان قانونی و دولتی در برابر تربیت سالم، نظارت مستمر و تأمین نیازهای اولیه اطفال.
- ۲- طرح و تطبیق پالیسی حمایت از کودکان در برابر صدمات ناشی از جنگ و مخاصمات مسلحانه و پالیسی حمایت از اطفال قربانی جنگ و مخاصمات مسلحانه.
- ۳- ایجاد کمیته بررسی واحدهای نظامی با هدف کسب اطمینان از فعالیت نکردن اطفال در این صفوف.
- ۴- تثبیت هویت اطفال بدون هویتی که در پرورشگاه‌ها به سر می‌برند، هم‌چنین دریافت راه حل قانونی و عملی واضح به منظور حمایت از اطفال بدون هویت در سطح جامعه.
- ۵- بازنگری و مطالعه پالیسی‌های مربوط به تعلیم و تربیت، صحت عامه و حمایت از اطفال کارگر.
- ۶- طرح و تطبیق برنامه‌های اقتصادی برای کمک به خانواده‌های فقیر به منظور حمایت از اطفال و جلوگیری از کار شاقه اطفال.
- ۷- افزایش ظرفیت پرورشگاه‌ها در سراسر کشور.
- ۸- ایجاد مراکز حمایتی کودکان قربانی خشونت‌ها و سایر کودکان آسیب‌پذیر.
- ۹- ایجاد مراکز اصلاح و تربیت معیاری در سراسر کشور و تدوین برنامه‌های اصلاحی برای بالا بردن مؤثریت مراکز اصلاح و تربیت اطفال با هدف اصلاح و تربین مجدد و ادغام آنان به جامعه.

فهرست منابع:

- ۱- وزارت عدلیه ج.ا.ا، قانون اساسی افغانستان، سال ۱۳۸۲ جریده رسمی شماره فوق‌العاده ۸۱۸،
- ۲- وزارت عدلیه ج.ا.ا، قانون حمایت حقوق طفل، سال ۱۳۹۷، جریده رسمی شماره ۱۳۳۴
- ۳- وزارت عدلیه ج.ا.ا، قانون منع استخدام اطفال در قطعات نظامی، سال ۱۳۹۳، جریده رسمی شماره ۱۱۶۲
- ۴- وزارت عدلیه ج.ا.ا، قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، سال ۱۳۸۴، ه جریده رسمی شماره فوق‌العاده ۸۴۶
- ۵- وزارت عدلیه ج.ا.ا، قانون منع شکنجه، سال ۱۳۹۶، جریده رسمی شماره ۱۲۵۶
- ۶- مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون حقوق طفل، سال ۱۹۸۹
- ۷- مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون شماره ۱ جنوا، سال ۱۹۴۹
- ۸- مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون شماره ۴ جنوا، سال ۱۹۴۹
- ۹- مجمع عمومی سازمان ملل متحد، پروتکل شماره دو الحاقی کنوانسیون‌های جنوا، سال ۱۹۷۷
- ۱۰- مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، ۱۹۸۴